

جمال انصاری

- آنچه می خوانید، چکیده است از کتاب «تاریخ هنر گچبری دوران ساسانی و تأثیر آن در آثار هنری اسلامی» از همین نویسنده که در حال حاضر زیر چاپ است. کتاب مذکور در زمینه شناخت عناصر و متوفی های گچبری در طول دورانهای تاریخی و بعضاً در دوران ساسانی و مین تأثیراتی است که هنر گچبری، بعد از آنار دورانهای اولیه اسلام سپس با تغییرات و تبدیلات منحصر بدوران هنر اسلامی در اغلب آثار معماری، فلزکاری، پارچه، بافی و غیره داشته است.

مقدمه

یکی از شاخص های قومی و بومی هر ملتی هماناً انتگاء به دست آوردهائی است که در فرهنگ انسانی و اجتماعی از آن بعنوان هنریاد می کنند که در حد اعلای خویش نمودار ارزشنهای است از احساسات و هیجانات درونی آن ملت، که بنا بر خواست و نیات آنان در تداوم نسل های مختلف، رشته های متفاوت و متنوع را شامل می گردد. خلق و ایجاد هر نوع اثری که بتواند با عناصر گونه گون و متفاوتی در مجموع، یک کیفیت خاص را ارائه داده و ایجاد هیجان و احساس بکند، در واقع هنر محسوب می شود و این خلق و ابداع در واقع نشانگر روحیات هنرمندانی است که از میان مردم برخاسته و روحیه آن ملت و مردم را نشان داده و در خواسته های جمعی نفوذ داشته اند. و همین آمال و خواسته های جمعی است که پس از این باعث تداوم و گسترش آن هنر می گردد و سبب می شود هنر بمعنای اخض کلمه در فرم های مختلف ظاهر یابد و هنرهای گونه گون را در طول نسل ها و دوران های مختلف تاریخی بوجود آورد.

شاخصتگی تداوم هر هنری بستگی به آرمانهای حکومتی نیز دارد و حکومت ها در تعیین آن نقش مؤثری را ایفاء می نمایند و بهمین علت ما در طی قرون متعدد در می یابیم که چگونه یک هنری پا می گیرد و استواری می پذیرد و سپس با وح خود میرسد، و در این گسترش در پرا مون خود هنرهای دیگر را شاخ و برگ می بخشند و حتی در خارج از مرزهای فکری هر قومی رخته نموده و در هنرهای بومی ملت های دیگر تأثیر می گذارد و آثاری بدیع و ارزشنه را نیز بر جای می نهد که مورد بحث و بررسی صاحب نظران آثار هنری قرار

گچبری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی



می‌گیرد.

گچکاری و استفاده از گچ بطور کلی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و بعنوان مثال می‌توانیم قدیمی ترین اثر گچی را که در کاوش‌های اخیر در هفت‌تپه خوزستان بدست آمده است، یاد کنیم که مربوط به دوران عیلامی است. در دوران هخامنشی و اشکانی هم تا حدی از این هنر استفاده می‌شده، لیکن در عصر ساسانی تکنیک و روش‌های خاصی بهمراه نقش و موتیف‌های مختلف حیوانی و انسانی و گیاهی و همینطور هندسی برای این هنر قابل شدن و در مجموع، از بکارگیری روش‌ها و تلفیق آن عناصر و موتیف‌ها در روی گچبری، مناظر جالب توجهی عرضه گردید که باعث تحرّکی در هنرهای دیگر عهد ساسانی و هنرهای دوران اولیه اسلام در ایران و خارج از ایران شد.

بطور خلاصه، با توجه به آنچه که در این نوشتار خواهد آمد و نظر به اهمیتی که این هنر در قالب های مختلف تزئینی خود در راستای هنر ساسانی داشته است، چنین بنظر می‌رسد که گچبری یکی از هنرهای ارزنده عهد ساسانی و دارای الگویی کاملتر و پیشرفته‌تر از دیگر هنرها و بیان کننده تاریخ هنر در این عهد می‌باشد و در حقیقت، در قالب طرح‌ها و موتیف‌های جالبی که ارائه گردیده، توانسته است در بعضی از صحفه‌های رزمی و بزمی، بخصوص در گچبری‌های مربوط به طاق‌بستان، تاریخ مصور این عهد را نشان دهد که حاکی از رابطه‌ایست بین انسان و حیوان و طبیعت و یا بررسی طرح‌های مختلف گچبری، درخواهیم یافت که این سه عنصر یا سه موضوع، در ابداع و خلق آثار گچبری دخیل می‌باشند، برای انکه بتوانیم بهتر و بیشتر با هنر گچبری ساسانی، مبدأ و پیدایش و سیر تحولی و تکاملی آن آشنایی یابیم، ضرورتاً ادامه گفتگو در این باب را بصورت ذیل دنبال می‌نماییم:

فصل اول: پیشینه تاریخی هنر گچبری در ایران قبل از ساسانی

هنر ایران نیز از آغاز حیات خویش از دوران‌های پیش از تاریخ تا دوران آغاز تاریخی و سپس در دوران اسلامی دگرگونی‌های عظیمی را شامل گشته و چه بسا با کندوکاو پیشتری بتوان نشانه‌های بارزتری از این هنر جهانگیر را بدست آورد.

عصر ساسانی یکی از دوران‌های هنری تاریخ ایران بشمار می‌رود که بیش از ۴۰۰ سال از عصر آن گذشته است؛ هر چند که برخی از جلوه‌های هنری این عهد در گونه‌های هنر تشریفاتی و درباری، همچون عماری و مجسمه‌سازی و گچبری به اوج خود می‌رسد، باعث تعمیم هنرهای متراffد دیگری نظیر فلزکاری و پارچه‌بافی و منبت‌کاری نیز می‌گردد. همانگونه که از پدیده‌های موجود هنر ساسانی بر می‌آید، این هنر نشان دهنده آخرین دوره هنر شرقی و اساساً دارای ویژگی و سجیه خاص ایرانی بوده است. این هنر در عین دریافت تأثیرات و نفوذ هنریگانه، هنرهای خارجی را نیز مطابق با ستّهای سرزمین بومی اش پذیرا گردید.

بررسی سیر تداومی هنر در دوره ساسانی ما را به این حقیقت آشنا می‌سازد که هنرها در عین پیشرفت کار و مورد تأیید دوران‌های همزمان خود نیز واقع می‌شده‌اند و با اندک تغییر و تبدیلی در آثار آن دوران‌ها و بخصوص دوران اسلامی تظاهر یافته‌اند.

یکی از هنرهای با ارزش این دوران، همانا هنر گچبری است که مکانی شایسته را برای خود در میان سایر هنرها کسب کرده است و در میان هنرهای مختلف ساسانی، مشخص تر و از نقطه نظر کاربرد و الگوی کار پیشرفت‌هایی باشد.

در دوران ساسانی گچکاری و گچبری مقام مهمی در هنر تزئین داشته و پوششی جهت دیوارهای آجری و یا دیوارهای گلیسی که با قلوه سنگ ساخته می‌شده، بشمار می‌رفته است و بعلاوه از گچ، استوک‌های متعدد قالبی و کنده‌کاری شده می‌ساخته و در تزئین بنای‌های حکومتی

افراد سازنده آن، زینت بخش آثار هنری بوده است که مشاهده آن موتیف‌ها می‌تواند برای هر بیننده صاحب ذوقی، تصور و فکری را که سازنده آن داشته، روشن نماید. از جمله صحنه‌های شکار، مراسم تدفین و یا شادی و دیگر موتیف‌های نظری اینها.

در دوران تاریخی، مسأله تزئین بیشتر مورد توجه قرار گرفت و چه بسا بیشتر آثار هنری به لحاظ تزئیناتی که دارند، زیبایی و جذابیت خاص یافته‌اند که این مسئله در آثار نقوش بر جسته تخت جمشید و در معماری کاخ‌ها و ستون‌ها و نیز مجسمه‌هایی که در دوران اشکانی ساخته شده است و نمونه‌هایی از این مجسمه‌ها در موزه ایران باستان وجود دارد، بخوبی درک می‌شود. در اینگونه آثار، تزئینات بیشتر در حواشی بنا، روی دیوارها و نقاط دیگر بکار گرفته می‌شده و در ترکیب بندی اجزاء معماری و هم‌چنین کادریندی‌ها به نحو چشمگیری دخالت مؤثر داشته‌اند.

در دوران اشکانی، هنر گچبری دارای روش خاصی بوده که با فن بکارگیری این عامل تزئینی در عهد ساسانیان تقاضوت داشته است. طرحهای گچبری در این دوره بسیار ساده‌اند و معمولاً از اشکال هندسی مدور استفاده کرده‌اند و بسیاری از این موتیف‌های مدور در داخلشان گلهای چهاربرابر گردیده و این گلهای چهاربر نیز در میان خود لوزیهای متساوی الأضلاعی را در بر میگیرند و این نوع نقوش دایره‌ای حتی بر روی ظرفها نیز بکار میرفته است.

اشارة کردیم تزئینات اولیه بر روی سفال بود و بعد که به معماری توجه بیشتری گردید، عناصر و موتیف‌های نیز طرح گردید و از وجودشان در پیکره‌بنایها استفاده شد. تزئیناتی که بوجود آمد، در ابتدا طرحهای بسیار ساده و ابتدایی بود، ولی با وفور عنصر و موتیف‌های تزئینی در روی نقوش بر جسته، برای تزئین دیگر آثار هنری نیز مورد استفاده قرار گرفت و این فراوانی موجب گردید تا موتیف‌ها به سه دسته تزئینی بشکل هندسی، گیاهی و موتیف‌های انسانی بر روی

فصل دوم: هنر گچبری در دوران ساسانی، شامل:
۱- کاربرد گچ و نقوش استفاده از آن، ۲- طبقه‌بندی موتیف‌ها و انواع آن، ۳- چند نمونه از آثار گچبری این دوران.

فصل سوم: تداوم و نفوذ گچبری ساسانی در آثار اولیه اسلام، شامل: ۱- تأثیر هنر گچبری در آثار هنر اسلامی (که خود مشتمل بر دو بخش است: الف: تأثیر گچبری در آثار هنری اسلام در داخل ایران، ب: تأثیر هنر گچبری در آثار هنری اسلام در خارج از ایران).
۲- تأثیر هنر گچبری در هنرهای بیگانه

فصل اول: پیشینه هنر گچبری در ایران پیش از ساسانی

۱- استفاده از گچ بعنوان عامل تزئینی در موتیف‌های گچبری

از دورانهای باستانی ایران آثار زیادی بر جای مانده است نظیر تخت جمشید، نقش رستم، نقش رجب، تنگ سروک و غیره که در درونشان کاخها و تالارهای با شکوه و هم‌چنین آثار نقوش بر جسته و مقابر که هر کدام از اینها با زنگ و بوی خاص و دلignerی آرایش یافته‌اند که در مجموع، یادگارهای پیشین مردم این مرز و بوم را تشکیل می‌دهند که مطالعه هر کدام از این آثار، طرح‌ها و موتیف‌های ارزشمندی را به ما ارائه میدهد که بسانگ احساسات و روح هنرمندان است و نشان میدهد که آنان فضای را چگونه با طرح‌های زینتی خود جلوه پخشیده‌اند.

عامل تزئین، بعنوان آرایش بنا یا هر اثر هنری که نشان دهنده اعتلای هنر باشد، در دوران‌های مختلف فرق میکرده است، کما اینکه ما تزئین مختصر و مفیدی را بر روی سفال‌های ماقبل تاریخ ایران داشته‌ایم که بیشتر جنبه‌های جزئی داشته و بنا به میل و آرزوهای

داشته ایم، بما ارائه دهد.

۴- موتیف های گچبری و مبدأ آفرینش آن ها

با توجه به آثار بیشماری که باقی مانده است و با نظریه شناخته های در موزه های مختلف ایران و جهان و بخصوص در موزه ایران باستان داریم، چنین بنتظر می رسد که مبادی اولیه موتیف های ابتدایی؛ طرح هایی در ردیف زیگراگها یا خطوط موازی متعدد المركب بوده است که اکثراً بر روی ظروف سفالین ماقبل تاریخی و همینطور دوران آغاز تاریخی مورد استفاده واقع می شده است و محققان این موتیف ها به ابتدایی ترین هنر و فرهنگ آسیایی مربوط می شود؛ چه آنکه در کارهای کوزه گری و سفالگری بچشم می خورند و در حدود چند قرن نیز بعنوان ترئین روی کوزه ها و ظروف سفالین بکار میرفته اند. این طرح ها در هر یک از ادوار تاریخی شکل و حالت مخصوص بخود می گرفته اند و گاهی از جنبه های کلاسیک و استیلیزه خارج و بصورت نقش های ترئین کاملتری بکار گرفته می شده اند.

اولین الگوهایی که در کیش بدست آمده، نشان دهنده اینست که برای پیچش ها و خمیدگی ها از طرح های گچبری بهره گرفته اند و یقیناً این الگوها مربوط به هنر و فرهنگ یونان باستان بوده اند؛ چه آنکه پیچش های طولی اساساً از یونانی ها اقتباس شده است. در گچبری های عهد ساسانی نیز ما طرحهای شبیه چلپا و خطوط شکسته داریم که بعنوان شیوه های آرایشی برای کوزه گری و سفال در هنرهای پیش از این دوره بکار میرفته و در اکثر ظرف ها، خواه در بدن و یا لوله و دسته آنها، طرح های جالبی از خطوط شکسته متصل و نیز تقاطع شکلهای هندسی را می یابیم که هم در اشیاء یونانی و هم در اشیاء یافته شده ایرانی، از یک الگوی همگانی و شبیه بهم مستفاد شده اند. صرف نظر از سیستم طراحی، نوعی لطافت و ترکیبات خاصی را میتوان در تمامی آنها یافت که به هنر هندسه آسیائی شباخت دارد و این

تا قبل از گسترش این هنر در دوران ساسانی، موتیف ها دارای قالب های کلاسیک بودند و طرحهای نظیر تخم مرغ، نوار یا ردیف با پیچ و تاب و احنتاهای زیاد در حاشیه های کوچک و قوس ها و طاقچه ها تظاهر می یافتدند و اندک اندک پس از سیر دورانی، هنرمندان به ارائه طرح و موتیف های جالب تر فایق آمدند. بطور کلی گسترشی که در دوران ساسانی به انجام رسید، باعث مختلف آن در دوران ساسانی به انجام رسید، باعث گردید که ناخودآگاه این موتیف ها در آثار هنری دوران اسلامی نیز تفویذ یابند و حتی تا دوران از این مرز و بیم تأثیر گذارد. اما واقعیت اینست که این گسترش بوسیله یک ابتکاریا پدیده، خود بخود تجلی یافت نه بصورت تفسیر یک اختراع خالص و بلکه در ترکیب عناصر این ابتکار هنری، نوعی محاسبات ریاضی در کاری و بوده است که هنرمند یا صنعتگر را وادار می ساخته است که بربط آن محاسبات، به خلق طرح یا موتیفی که با قواعد ساختگران مورد نظر دمساز باشد، پردازد، و با فرمولهایی که روش هر خط را در هر نقطه و حرکت و هر منحنی معین و معلوم می نموده است.

چنانکه در بررسی و تحلیل موتیف های گچبری مثلاً جسم مار پیچ را که به یک جسم واحد و مفرد تبدیل می شود، ملاحظه می کنیم و یا عناضری ترئینی را که شکل یک پرنده یا حیوان را برایمان مشخص می سازد، در آثار گچبری می بینیم. در هر صورت می توان پذیرفت که برای ترئین هر چیزی اعم از ساختمان وغیره از سیستم خاصی برای ترکیب و سپس بصورت یک واحد مشابه در آوردن موضوعات استفاده می شده است و این امر در ابتدا بصورت ساده بود و تنها با تصاویر منفرد بر روی سفال ها استفاده می شده و کم کم کم عوامل گوناگون در آن وارد شده است و گسترش و تکامل یافته و ما این عوامل ترئینی را در فرم های مختلف ایرانی ملاحظه می نماییم و شاید تحقیقات و بررسی های آینده بتواند عوامل و موتیف های ترئینی دیگری را غیر از آنچه که تا کنون

گچبری تأثیر گذارد اند، می توانیم از طرح های روی مهر و سیلندرها نیز یاد کنیم که در رابطه با هنرین التهرين می باشد که در ایران اینگونه الگوها بنام برگ های چهار ترکه ای خوانده می شوند و شامل قطعاتی از دایره های الحاقی می باشند که در مهرهای استوانه ای سومری ها بسکار آمده و با ظهور آن در بابل نظیرشان نیز در قرن نوزدهم ق.م بر روی سفالهای حلف بچشم می خورد. در هنر آشوریان، دایره ها به یک ترتیب معماري مبدل شده اند و در کاخ نیستوا می توان اینگونه طرح ها را بصورت سنگفرش ملاحظه نمود. در هندوستان نیز توانهای از این شکل بصورت انواع پالمیرا^۴ مورد استفاده قرار گرفته است.

با مروری بر آثار پیش از تاریخ و دوران آغاز تاریخی دریافتیم که اصولاً نقش یا طرحهای روی ظروف، بیشتر جنبه استیلیزه^۵ و غیرطبیعی (تصویر شماره ۱، ۲، ۳، ۴) داشته اند، لیکن در عصر ساسانی هنرمندان سعی میکنند تا با تم شرقی، فرم هارا توسعه دهند و تزئینات با حالت طبیعی خود ظاهر می شوند. یعنی اگر شاخ و برگ درختی و یا نقش حیوان و انسانی مورد نظر است، بهمان ترکیب رئالیستی^۶ خود ظاهر می یابد و در ترتیب طرحها و موتیف های اصلی به دستجات گیاهی و انسانی و حیوانی جلوه دهنده هنر گچبری در عهد ساسانی می شوند.

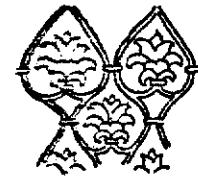
۳- روش های گچبری و کاربندی آن بطور کلی

در دوران اشکانی هنر گچبری دارای روش خاصی بوده که با دوران ساسانی تفاوت دارد و در عهد ساسانی نیز برای بر پا داری گچ بر روی بنا بعنوان تزئین، روشهای دیگری اعمال میشده که با دورانهای اسلامی متفاوت می باشد. اما بطور کلی مواد اولیه برای بر پاداری گچ در هر دوره یکسان بوده و تنها نحوه فرم دادن به گچ و شکل بخشیدن به آن فرق میکرده است. از آثار باقیمانده گچبری در نواحی مختلف ایران چنین بر می آید که تزئین دیوار و یا قسمت های دیگر ساختمان

نمونه ایست از تمايلات روح شرقی که در اشكال دیگر رخنه کرده است. گذشته از خطوط مستقيمه و اشكال هندسي مثلث و لوزی و مربع شكل، در میان طرح ها می توان دواير متعدد مرکزی نیز یافت که در آثار کوچک



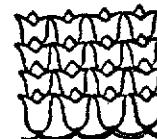
طرح استیلیزه از روی یک سیلندر که از قرون پدست آمده است.



طرح استیلیزه گچبری که از آثار قلعه کنه (قلعه بزد گرد) کشف شده است. و در اصطلاح بنام حلقه ای مشهور است.



طرح استیلیزه دیگر بصورت هندسي که در آثار طاق بستان وجود دارد. و در اصطلاح بنام قلب معکوس شهرت دارد.



طرح استیلیزه در گچبریهای کاخ شوش مربوط به دوران هخامنشی. تصاویر ۱ و ۳ و ۴: طرحهای استیلیزه در آثار گچبری.

ناحیه کيش^۷ برای آرایش ظرف استفاده میشده است و گاهی همین دواير پيچش درخت مورا نیز شامل می شود که در کنده کاری های آشوری با یک سادگی خاص بکار رفته اند.

با مطالعه موتیف هایی که در مبدأ آفرینش طرح های

البته مرور زمان، قسمت اعظم نقاشی های روی گچبری ها را از بین برده است. ضرورت دارد به این مطلب نیز اشاره شود که در جوار بر پاداری گچبری بر روی دیوار در زوایای کار، مجسمه هایی با تم گچبری نصیب میشده است. بطور مثال در تیسفون و کیش چند مجسمه نیم تن از بهرامگور و چند سوزن بدست آمده که نشان میدهد که بهمراه گچبریها بوده اند. این مجسمه ها بیشتر بر روی جرزها و دیوارهایی که قبلًا با گچ مفید شده اند، چسبانده میشند و رویشان را با رنگ نقاشی میکرده اند.

روش های گچبری و کاربندی گچ بسبک هخامنشیان و ساسانیان، در دوران اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفت و همراه با توسعه و گسترش هنر معماری و تداوم آن در عصر اسلامی، روش های گچبری نیز بکار گرفته شد تا آنجا که نقش های هندسی و گل و بوته و

- تصویر شماره ۵: محراب مسجد جمعه اربیل که دارای تزئینات گچبری و مقرنس کاری در داخل محراب بسبک دوران اولیه اسلامی است.



بوسیله گچ دارای روش و اسلوب خاصی بوده است و چنانکه مشاهده میشود، بر روی آجر یا روکش دیوارها بهمانگونه که تا کنون ادامه یافته است، تعییه میشده و یا اینکه پس از بنای ساختمان بصورت حاشیه و یا فتیله ای بر روی آن گچ را کلاف میکرده و می چسبانده اند، و این روشی است که از زمان اشکانی و تا امروز هم معمول بوده است. معمولاً بر روی عنصر گچبری، ماده لعابداری مانند کتیرا یا نشاسته و حتی شیر میمالیدند که سایده نشود و دلیل رنگ شکری روی گچبریها بدست آمده، همانا کشیدن این ماده لعابدار بر روی آنها بوده است. گذشته از کتیرا و نشاسته، گاهی از گل سفید و گل سرشوی و گل گیوه و سفید آب و مواد دیگر شبیه بدانها استفاده میشده است.

درباره اینکه چگونه گچبری ها را میساخته و سپس روی دیوار قرار میداده اند، عقاید مختلف است. عده ای معتقدند که بیشتر این گچبریها قالبی بوده است، بدین ترتیب که قالب هایی داشته و گچ را در داخل آنها میریخته اند و سپس کار میگذارند، که این عقیده نادرست است. زیرا آثار بر جای مانده نشانگر این واقعیت است که گچ را بر روی دیوار یا جایی که مورد نظر بوده قرار میداده اند و سپس در همانجا به تراشیدن زواید و قرم دادن به گچ میپرداخته اند و این مسئله بوضوح روشن است که گل و بوته و شاخ و برگها و حتی صور پرندگان و حیوانات و انسان ها روی گچ با قلم ایرانی و در جای خود طرح و پیاده شده است. معمولاً گچ زنده را بر روی محل میمالیده و تا زمانی که خشک و سفت نشده به آن نقش میداده اند و همانطور که در بالا اشاره شد، سپس ماده ای شیری رنگ و چسبنده را بر روی آن می پاشیده اند تا نقوش کاملاً خود را نشان بدهد. پس از اینکه قرم ها پرداخت شد و طرحها جلوه گردند، با وسایلی، زواید اطراف متیف ها و عناصر تزئینی را برداشت و برای اینکه نقش آفرینی شان کامل گردد، بر روی آنها با رنگ هایی نظیر قرمز و آبی و زرد نقاشی میکرده اند که

طاق سازی و در مرحله تکمیل، کاخ سازی را رونق فراوان دهنده که معرفت یک هنر خاص در یک دوره خاص گردید و در هنر دوران اسلامی ضمن تأثیرگذاری، به تکامل گراید.

ساده‌ترین نمونه این طاقی‌ها، فرم چهار طاقی است که از یک فضای مربع شکل و چهارستون بالا آمده و یک گنبد کوچک شبیه عرقچین بر رویش، تشکیل شده است که این گنبد یا طاق، بیشتر در ایران بعنوان چهار ترک معمول بوده است و معروف‌ترین نمونه این چهار طاقی‌ها، چهار طاقی نیسار یا نسا یا نیزار در نزدیکی کاشان است. این آتشکده در نزدیکی چشمه‌ای بین کاشان و دلیجان واقع شده و بدون بکار بردن چوب و هیچگونه مصالحی جز سنگ، با گچ و نی ساخته شده است که نمونه ارزشمندی است برای نشان دادن کاربرد گچ در این ساختمان. در این چهار طاقی، گچ بعنوان ملاط بکار رفته است. زیرا بخاطر خاصیت چسبندگی می‌توانسته است قله سنگ‌های بهم برآمده‌ای را که تشکیل مکعب چهار طاقی میداده‌اند، در هم بیامیزد و بهم بچسباند و در فواصل ردیف آجر و سنگ‌ها، این ماده مورد استفاده قرار گرفته است.

گذشته از بکارگیری گچ در دوران ساسانی جهت ملاط، این ماده برای طرح اندازی گنبد نیز کمک مؤثری بوده است. بدینصورت که معمار، روی زمین و یا در سطحی گچی، مقطع گنبد و محل آخرین آجر چین را رسم می‌کرده. یعنی با استفاده از گچ نم داده یا گچ خشک می‌توانسته طرح گنبد را در آخرین مراحل بریزد و بعد در فاصله معینی از سطح خارجی گنبد و موایزی با آن خطی بکشد و بعد آنرا با سنگ، بنا دیواره خاکی، محدود و همانطور که هنوز هم این روش معمول است، قالب‌گیری کند. سپس نی هایی را که در این قالب قرار داده، با ملاط گچ که مقاومت متوسطی دارد پر می‌کند و از این قالب، هشت قطعه نیم قوس گچی مسلح به نی درست می‌کند که از جهت جانبی شکننده، ولی از جهت

شاخ و برگ به داخل محراب مساجد راه یافته (تصویر شماره ۵) و این هنر ارزشمند در زمان سامانیان و غزنیان و آل زیار دارای اصول خاصی گشت که ادامه آن در عصر مغول و قرن هفتم و هشتم هجری به تکامل و اوج خود رسید، لیکن از این پس بعلت استفاده بسی حاذ از کاشی‌های الوان و آجرهای لعابدار کم کم روبرو احتفاظ رفت و ما از دوران صفویه بعد کمتر آثار گچبری جالب وزیبا می‌یابیم و آنچه که از دوران زندیه و قاجاریه بجا مانده، قطه‌ای است از دریای بیکران هنر گچبری و این بسی توجهی به اهمیت هنر مزبور باعث شد که بیشتر این گنجینه‌های ذی‌قيمت نیز از بین برود و آنچه که در حال حاضر باقی مانده و در موزه ایران باستان و یا در اماکن تاریخی وجود دارند حاصل بررسیهای علمی و کاوش‌هایی است که انجام شده و در نتیجه مراقبتی است که از باقی‌مانده آثار هنر گچبری بعمل می‌آید. لیکن باز هم تحقیق و مطالعه پیرامون این هنر ضرورت دارد تا بیشتر بتوان با خصوصیات آن آشنا گردید.

فصل دوم: هنر گچبری در دوران ساسانی

۱- کاربرد گچ و نوعه استفاده از آن

همانطور که اشاره شد، در شروع معماری ایران از آغاز تاریخ و دوران هخامنشی و پس از دورانهای اشکانی و ساسانی، به مسئله گچ توجه و از آن بعنوان یک مادة سازنده و استوار استفاده شده؛ کما اینکه بعنوان ملاط جهت طاق‌ها و جرز دیوارها از این ماده بهره‌وری می‌شده است.

پس از دوران پارتی‌ها که دارای سبک و تمدن و حتی هنر خاصی بوده و بیشتر از روش‌های یونانی (هلنیستی^۷) استفاده می‌کرده‌اند، در دوران ساسانی بعنوان دست یازیدن به ابتکاراتی جدیدتر، به هنر با ویژگیهای خاص خود توجه نموده و عنقریب توانستند عواملی نوظهور، از جمله اشاعه و گسترش طاق و

ستونها خیلی زیاد بوده و ظرافت در آنها دیده نمی‌شود، با ایجاد نقش‌هایی بطرور عمودی و موازی، این تقیصه را برطرف و ضخامت را به نوعی ظرافت تبدیل کرده‌اند. آثاری از اینگونه آرایش با تزئینات گچی را در کاخ بیشاپور و دامغان و مسجد جامع نائین داریم که ستونهای آجری را با گچ پوشانده و گچبری کرده‌اند. پس از آرایش ستونها، دیواربناها و کاخها نیز برای ابداع و ایجاد فضاهایی که بتواند عناصر گچبری را بنمایش بگذارد محل مناسب تشخیص داده شده و گند و سقف و ورودیها و همینطور طاقچه‌ها نیز در این عهد از طرحهای گچبری بی نصیب نماندند که نمونه‌های ارزنده آنرا در کاخ چال‌ترخان^{۱۰} ری و کاخ تیسفون بدست آورده‌اند.

آثار گچبریهای دوره ساسانی نمایانگر این واقعیت اند که هنرمندان این فن تمايل داشته‌اند که هم ردیف حجاریهای عظیم‌هخامنشی، از شاهکارهای عهد خود در زمینه‌های گچبری، آثاری را آشکار سازند و در این راه با کوشش بسیار نسبت به ابداع روش‌های اصولی و انواع طرحهای گچبری دست یافتند، تا آنجا که در تیسفون (کاخ ساسانی) ^۸ نوع، و در کاخ کیش باندازه ^۹ نوع مختلف موئیف را بوجود آوردن و این گسترش تنوع طلبی در طرحها و موئیف‌ها نشان دهنده ذوق هنرمندانی است که در تکابوی هر چه بهتر و زیباتر نشان دادن موئیف‌های گچبری بوده‌اند، در مورد طرز بکارگیری و برپاداری گچبری اشکانیان، پیش از این سخن گفتیم وجا دارد به این نکته نیز اشاره نماییم که در دوران ساسانی، در این زمینه بهمان روش اشکانی، منتهی با دیدی جامع تر و اصولی متحول تر برخورده شده است و همانا تنوع طلبی با الهام از دیگر هنرها در این عصر، پایا گشت و شیوه و ارائه طرحهای بهتر و ارزنده‌تر گردیده است و ضمناً استفاده از رنگ‌های دلپذیرتر که رول عمدت‌های را در تزئین فضاهای معماری و نقوش و اشیاء گچی در دوره ساسانی بازی می‌نماید،

طولی مقاوم است. بعد آنها را به بالای ساختمان برد و در امتداد محورها و اقطار گند سوار می‌کند و سر آنها را در رأس گند بوسیله گچ بهم متصل می‌کند و پایه‌ها را نیز روی آخرین سنگ چین قاعدة گند محکم می‌کند. در سرطاقی‌های هلالی شکل نیز از گچ بسیار استفاده می‌شده است. چهار طاقی نیسا^{۱۱} یا نسا در مجتمع، کاربرد سگانه گچ را در دوران ساسانی بصورت ذیل نما نشان میدهد: ۱- بکارگیری گچ بصورت ملاط. ۲- بکارگیری گچ برای زدن نیم قوسهای زیرگردی. ۳- بکارگیری گچ برای هلالهای گچی.

و این مسئله مشخص می‌سازد که در دوران ساسانیان در ابتدای کار، استفاده از گچ را جهت استحکام بیشتر بناها ضروری میدانسته‌اند و مراحل سگانه فوق نیز در بنای‌های با شکوه و کاخهای عظیم با طاق‌ها و گندهای سترگ نیز با جام رسانیده است.

در دوران ساسانی، بمنتظر استفاده از گچ و برپاداری موئیف‌های گچبری، دو موضوع در نظر گرفته می‌شده است: ابتدا انتخاب محل گچبری و سپس عرضه آن در محل انتخاب شده؛ یعنی در وهله اول انتخاب محلی که نمایشگر ذوق و استعداد هنرمند گچکار باشد و ضمناً تناسبی با موقعیت مکانی اثر داشته باشد و در وهله دوم عرضه اثر گچبری یا طرح و نقشی است که آفرینش عنصر تزئینی را باعث شده باشد. در مرحله نخست کاربرد این عنصر را بر روی ستونها بیشتر از هر جای دیگر ملاحظه می‌نماییم و همانگونه که در عهد پیش از ساسانی نیز در روی ستون، تزئیناتی ارائه میداده‌اند، با استفاده از پالمت‌ها^{۱۲} و سایر موئیف‌های تزئینی اعم از گیاهی و یا هندسی و یا از تلفیق این دو با هم انجام می‌شده است.

تزئین روی ستون در زمان ساسانیان تکامل یافت و در دوران اسلامی مورد تقلید واقع شد. هنرمندان برای تنوع بخشیدن به تزئین آنها، فرمهای مختلف گچبری را بر روی ستونها پیاده کرده و در برخی موارد که قطر

یابدو امروزه ما این تأثیر و تأثرات را در آثار بازمانده در داخل و خارج از مزهای کشورمان ملاحظه می نماییم.

۲- طبقه‌بندی موتیف‌های تزئینی در گچبری ساسانی

با تحویلی که هنر گچبری در دوران ساسانی یافت، موتیف‌های آن نیز کمکم رونقی گرفت و پربارتر از دوره قبل از خود راه کمال را پیمود. بررسی آثار و بازمانده‌های با ارزش گچبری، این امکان را بنا میدهد تا بتوانیم نمونه‌های ارزشمندی از موتیف‌های گچبری این دوره را که ناخودآگاه در تأمین نقش‌های قالی، ظروف فلزی، مجسمه‌سازی و فرم‌های تزئینی نقش بر جسته، چه در داخل و چه در خارج ایران، تأثیر گذاشته است، بیابیم.

در شناخت طرح و فرم‌های گچبری این دوران معمولاً محققین تنها به تشریح موتیف‌های گیاهی یا حیوانی پرداخته‌اند. لیکن گستردگی طرحها ایجاب می‌کند که ما آنها را به چهار دسته بارز و مشخص تقسیم و هر کدام را بطور جداگانه تشریح نماییم.

بطور کلی نقوش گچبری، از نقطه نظر طرح‌های ارائه شده موجود، به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:
الف: نقوش هندسی که شامل طرح‌های استیلیزه هم می‌شوند.

ب: نقوش گیاهی که شامل شاخ و برگ‌ها، نقش پالمت، روزت^{۱۱} و کنگره^{۱۲} است.

ج: نقوش حیوانی و انسانی که شامل فرم‌های اساطیری نیز می‌شوند، و تلفیق هر سه نوع با هم.

د: نقش خط و کتیبه در آثار گچبری.

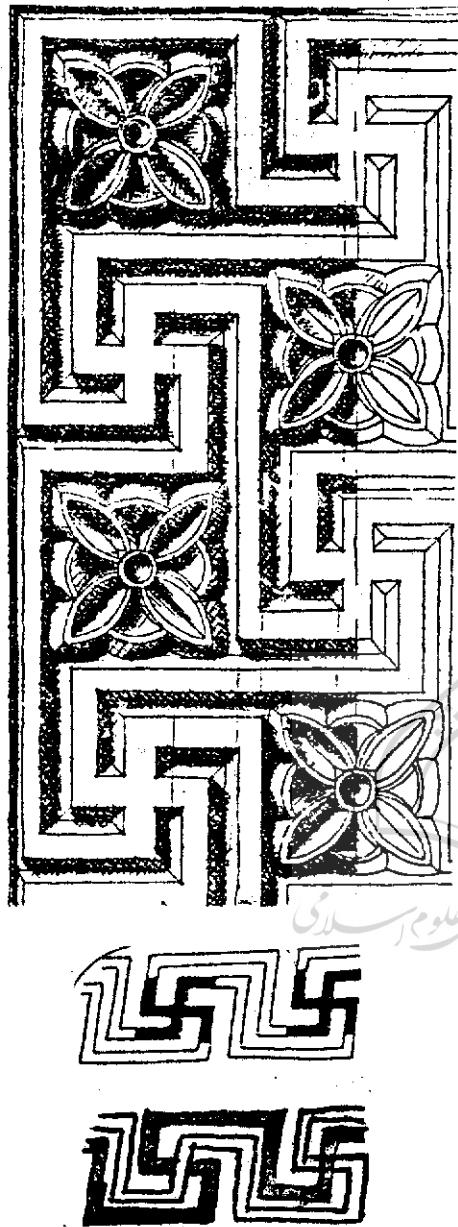
الف: نقوش هندسی در طرح‌های گچبری

این نوع از نقوش، معمولاً از خطوط مستقیم و شکسته

نقش پذیری هنر گچبری را در این عصر شکوفاتر می نماید.

گذاشته از کاربرد گچ و گچبری بر روی بنا، می توانیم این هنر را بصورت مجسمه‌های برجسته و نیم برجسته و نیز مجسمه‌های تزئینی بسیاریم که در دوره ساسانی به نهایت درجه ظرافت و تکامل خود رسید و بخصوص در زمینه نقوش انسانی و یا صورت‌سازی، بهمراه گل و بوته و نقوش هندسی نظاهریافت. اما این نکته قابل توجه است که با ظهور اسلام، کمک صورت‌سازی و شمایل‌سازی منع گردید و آثار گچبری محدود شد بهمان نقوش هندسی و گیاهی و یا ترکیب و تلفیق آنها.

سبکهای مختلف گچبری، طی قرون متعدد، تغییر و تحوالاتی را شامل گشت تا آنجا که در دوران اسلامی در طراحی نقش روی کاشی‌ها نیز عناصر گچبری نمایان گردید و بجای طرح‌های زنجیره‌ای و قیطانی، بتدریج نقوش ظریف و ریز رنگین معمول شد که گاهی طرافت آنها شباهت فوق العاده‌ای با نقاشی پیدا می‌کرد. در دوران اسلامی، دیگر نقوش بصورت درشت و ضخیم عهد م SASANی مشاهده نمی‌شد و از جنبه‌های تمثیلی نیز خارج شده و کاملاً بصورت تزئینی مشاهده می‌شد و با رشد و توسعه انواع موتیف‌ها جایی را در مساجد بزرگ دوران اسلامی برای خود باز می‌کند و هنرهای بیگانه را نیز تحت تأثیر قرار میدهد و آنان نیز آثاری عرضه می‌نمایند که با میراثهای کهن این سرزمین مطابقت می‌نماید و باید توجه داشته باشیم، بهمین تسبیت ساسانیان هم در آثار هنری از روشن‌های بیگانه سود جسته‌اند و تا حدودی از شیوه‌های یونانی بهره برده‌اند و نیز در پیکر تراشی هم از تجارت یونان و روم بی بهره نبوده‌اند. بررسی هنر این عهد می‌تواند تا حدودی رابطه هنر ایران را با هنرهای دیگر ممالک نشان دهد که چگونه این نوع ارتباط باعث گردیده است تا کمک فضای هنری ایران گسترش یافته و تا قرنها بعد تداوم



- تصاویر ۶ و ۷: نقش تریثینی هندسی، بصورت صلیب شکسته و یا چلپا که اغلب بطور مجزا و منفرد با ترکیبی از گل لوتوس با پالت بکار رفته است.

عهد سلجوقی، با آنکه ادامه دهنده کارهای گچبری عصر ساسانی است، با این حال از موتیف‌های غربی نیز سود برده است. در گچبری‌های این دوره، عناصر تشکیل

در حالات مختلف در کادرهای گچبری شده بهشم میخورند و غالباً در حاشیه متن گچبری بکار آمده است. در ترکیبات هندسی، نقش صلیب شکسته و یا چلپا^{۱۴} دیده شده که اغلب بطور مجزا و منفرد با ترکیباتی از گلهای لوتوس^{۱۵} و یا پالت در آمیخته‌اند (تصویرهای شماره ۶، ۷). در اینگونه موارد، هرمند معمولاً فضاهای خالی را با موتیف‌های تریثینی گیاهی پر کرده است. در آثار کاخ چال ترخان بر روی گچبری‌های ستون قصر ساسانی اینگونه ترکیبات وجود دارد. از جمله نقش‌های تکراری که در گچبری ساسانی بکار گرفته میشود، طرحهای مربوط به دایره‌ها و منجشی‌هایست که می‌توان گفت نقش اصلی را در این دوره بعده دارند و در تداوم موتیف‌های گچبری اشکانی بکار برده شده‌اند. معمولاً این نوع موتیف بصورت پیچک‌های مود در بعضی قسمت‌ها بشکل ویرگول ظاهر میشوند که در مرکز نقش چلپا و یا صلیب شکسته منحنی و دایره شکل باندازه‌های گوناگون، گاهی ساده و گاه توپر به شکل حلقه‌های زنجیر، بکار گرفته شده‌اند و گاهی نیز شبیه به گل‌های لوتوس، متن میانی گچبری را در بر میگیرند. پرسنور پوپ در کتاب «هنر معماری ایران» در این زمینه اظهار داشته است: «دوازیر، بخصوص زمانی که تشکیل گلهای چهار برا میدهند، بارنگهای طلایی و یا سیمین رنگ آمیزی شده بودند و باز از رنگهای لاجوردی و ارغوانی و سبز تیره نیز استفاده شده است.»^{۱۶} در طرحهای گچبری این دوران کمتر نقش کثیرالاضلاع بچشم میخورد، لیکن طرحهای مربع و مستطیل شکل که بعنوان قاب گچبری استفاده شده و حاشیه‌ها را در بر میگیرد، فراوان است. اینگونه طرح‌ها در آثار طاق کسری و کاخ کیش و نیز در یکی از نقش‌های شکارگاه روی گچبری کاخ چال ترخان قرار دارد. (تصاویر شماره ۸، ۹ و ۱۰)

در دوران اسلامی، نقش کثیرالاضلاع در فرم هندسی جلوه می‌نماید (تصویر شماره ۱۱). بطور مثال گچبری

وجود دارد و گاهی بین اشکال هندسی و گیاهی نیز با صورت سازی تلفیقی بوجود آمده است، چنانکه در اغلب کتیبه‌های این عهد طرحهای هندسی و گیاهی زینت‌بخش هنر معماری میباشند و در میان آنها طرحهای صلیب شکسته و یا چلپا را در نقش آجری ملاحظه میکنیم که هنرمند، بوسیله ابعاد آجرها، نقش‌های جالبی را ایجاد کرده است.^{۱۵}

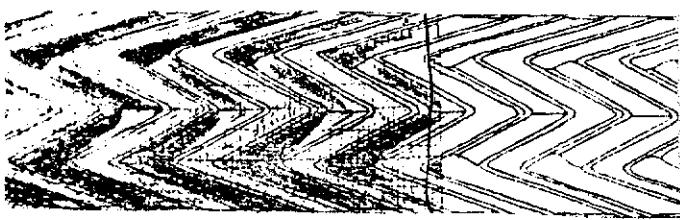
ب: نقش گیاهی در طرحهای گچبری

در آثار بازمانده گچبری مشاهده میشود که قسمت اعظم آنها را نقش گیاهی تشکیل داده است که در محدودیتی خاص، زینت‌بخش این آثار گشته‌اند. در فرم‌های ترکیبی گیاهی، تا حدودی طرحهای هندسی جای خود را به طرحهای گیاهی داده‌اند، منتهی با اندکی تغییر و با کاربردی از طرحهای استیلیزه که در نوع خود بی نظیر بوده و طرح‌های گچبری را شامل شده‌اند. قطعاتی از گچبری دارای طرحهای گیاهی با نقش استیلیزه، در شهر تیسفون بدست آمده که اینک زینت‌بخش تالار ساسانی موزه متropoliten در نیویورک می‌باشد. در این قطعات، در قسمت میانی، یک ساخه از برگی شبیه به سرو و یا چنار دیده میشود که مرکب از پنج برگ شکسته پالمت است. ساخه‌های کناری، برگ‌های نیمه باز پالمت را مجسم می‌نمایند که آنها نیز دارای ۵ برگ در هر طرف می‌باشند.

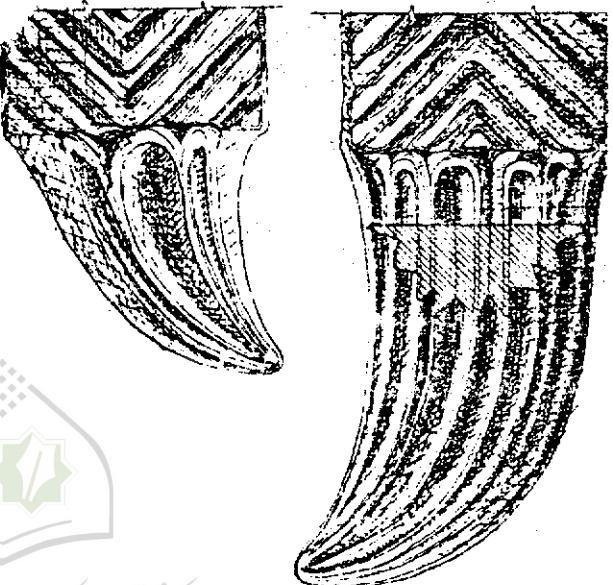
مهمترین نقش گیاهی که در آثار گچبری عهد ساسانی مشاهده میشوند، اشکال زیر هستند:

پالمت، نقش تاک و پیچک، گل نیلوفر، میوه انگور، کانتوس، نقش گل لوقوس و روزت، نقش بلوط و نیز نقش‌هایی شبیه به برگ استیلیزه شبیه به برگ انجیر و نخل و کنگر و نیلوفر.

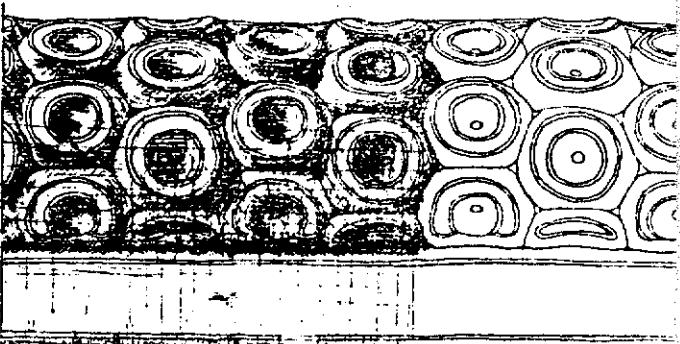
پالمت - نام نوعی گیاه است که در سرتاسر دوران تاریخی و حتی ماقبل تاریخی بر روی نقش سفالینه‌ها به انواع مختلف آن بر میخوریم. فرم این گیاه در



الف: خطوط شکسته و موازی.



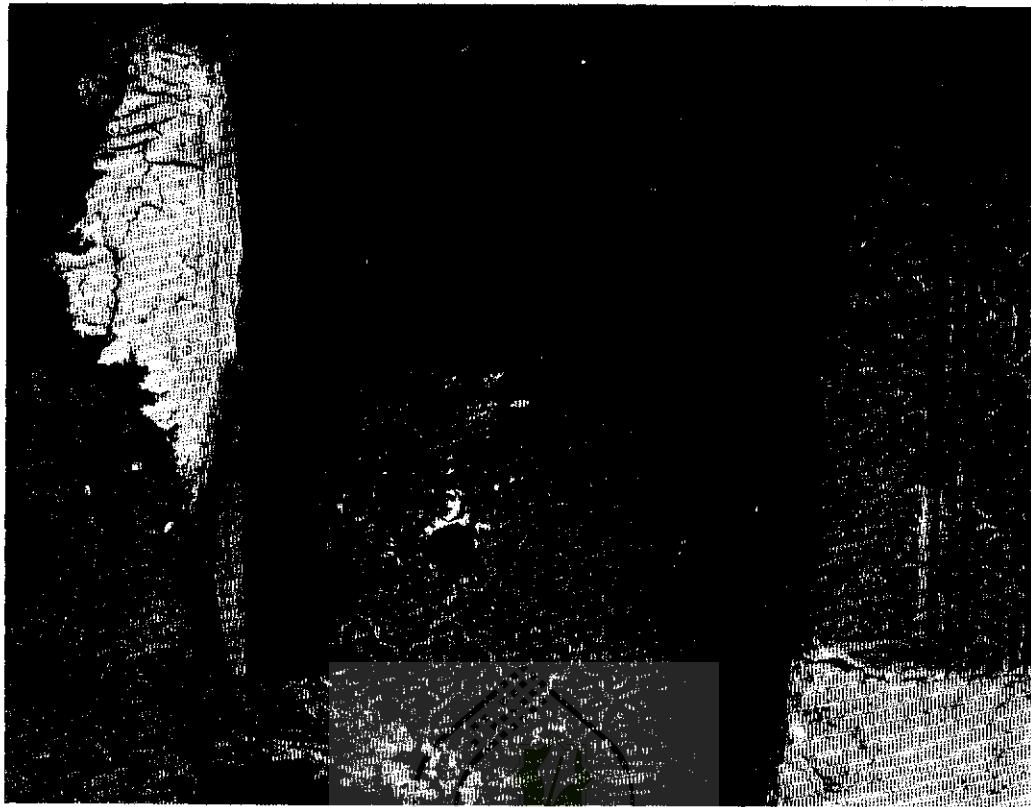
ب: تلفیق زوایای موازی و منحنی و خلط راست.



ج: دایره‌های متعدد مرکز و حلقه‌ای.

- تصاویر ۸ و ۱۰: طرحهای هندسی در آثار گچبری.

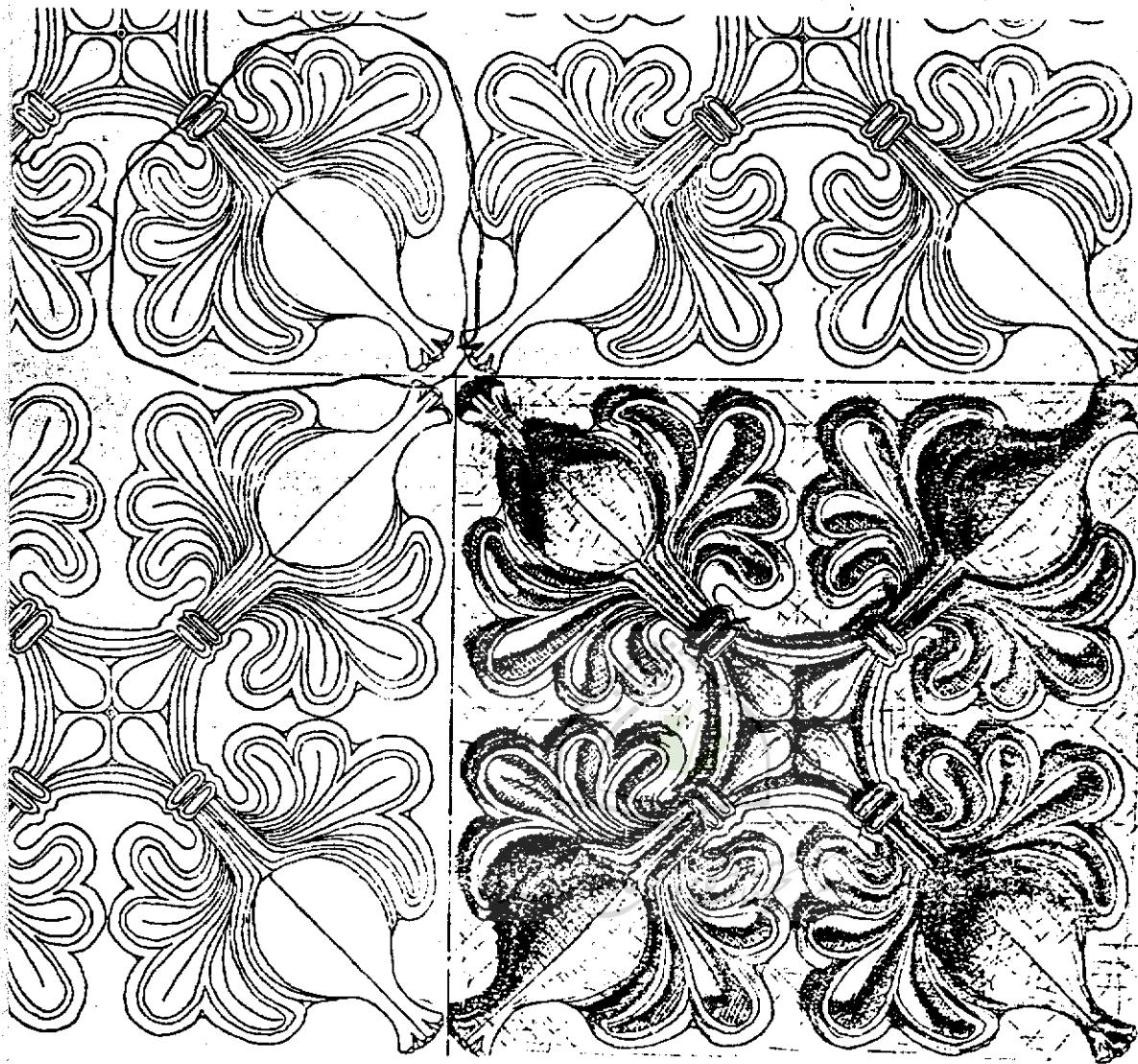
دهنه‌ه طرحهای همان شکل‌های ساسانی است و در صورت سازی نیز وجه مشابهی با صورت سازی آن عهد



تصویر شماره ۱۱: محراب مسجدی است از اوایل اسلام در استان بزد که طرحهای گچبری شامل طرح زنجیره‌ای و گل‌های چهارپروکادرهای مستطیل را نشان می‌دهد.

مotive های مذهبی جنبهٔ تقدیس داشته و بنوان شگون و برکت مورد استفاده قرار می‌گرفته است، بهمان گونه که گل روزت یا نیلوفر و ترکه‌های درخت آثار همواره در نقش بر جستهٔ هخامنشی حضور داشته، در آثار این دوران نیز بچشم می‌خورد.
نقش پالمت در آثار کاخ کیش و تیسفون و در تمدن عیلامی شوش و آثار بین النهرين مشاهده و در نقش بر جستهٔ آشوری و سومری نیز این نقش بصورت درخت نخل بطور واضح و آشکار مجسم شده است. طرح پالمت بعدها تکامل یافت و فرم اسلیمی بخود گرفت و در نقش‌های فرش و کاشی وارد گردید.

گل لوتوس و آکانتوس - آکانتوس برگی است شبیه به کنگر یا تاک و تقریباً از نظر فرم تزدیک به برگهای پالمت می‌باشد، ولی برگهای آن پهن‌تر است.
نقش تاک و پیچک - این نوع طرح قبلاً در نقش بین النهرين بکار گرفته می‌شده است و در ایران نیز در گچبریهای مربوط به کاخ چال‌ترخان و در قسمتی از آثار گچبری کاخ کیش که اینک در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود، نقش انگور رامشاهه می‌نماییم. بر روی گچبری چال‌ترخان، بر روی شاخه‌ای از درخت



تصویر شماره ۱۲: طرح برگ انار که بر روی ساقه متحده مرکزی قرار دارد و این طرح گاهی بصورت استیلیزه ظاهر یافته است.

.۱۲

نقش بلوط — میدانیم که یکی از درختان قدیمی ایران زمین درخت بلوط است که از میوه آن نیز استفاده میشده و هنرمندان هم از طرح آن در تزئین گچبریها الهام گرفته اند. نمونه ای از نقش بلوط در آثار گچبری کیش در مقاله «گچبریهای دوره ساسانی» نوشته بالتروسایی ارائه شده بود، لیکن در موزه ایران باستان اثری وجود

ناک، پرنده ای شبیه «عقاب یا کبک دیده میشود و اطراف آن نقش گل و بوته و انار نیز در هر دو اثر موجود بچشم میخورد. در برخی از آثار گچبری، طرح برگ انار بر روی ساقه متحده مرکزی قرار دار نماید که آنرا از غنچه تا مراحل گل و میوه و گاه بصورت طرحهای استیلیزه ملاحظه میکیم؛ طرح یاد شده بعدها در نقش اندازی بر روی فرش و قالی بکار گرفته شده است (تصویر شماره



تصویر شماره ۱۳: در این تصویر نقش تزئینی مختلف از قبیل شیر، درخت زندگی و همچنین نقش گیاهی از قبیل روزت پالمت، برگ کنگرو گل لیونس مشاهده می شود که ترتیبات یک بشقاب نقره ای ساسانی را شامل می شوند.

پکدیگر، پایده های ارزشمند را بنیاد نهند که بعدها در طرح اندازی قالی، موزائیک و کاشی و نقاشی مورد استفاده قرار گرفته اند. (تصویر شماره ۱۳)

ج: نقش انسانی و حیوانی در طرحهای گچبری
تعداد زیادی از آثار گچبری که در حال حاضر
زینت بخش موزه ایران باستان و چند موزه خارجی است،

با بررسی نقش گیاهی در آثار گچبری در می باییم
که بطور کلی طرح های گیاهی دارای صور گوناگون و
تا حدی تختی بوده و بخصوص احناکی برگها مانند برگ
انجیر، مو، نخل، کنگرو نیلوفر و نیز نقش های هندسی
متداول بوده و هنرمندان توانسته اند با تلفیق آنها با



تغور شده‌ای: قسمی از نمای کاخ اشکانیان بنام هرا و مجسمه‌های گچی معموب بروزی دوران به معنای تزئینات گچی.

- تصویر شده‌ای: این شرط طبق بستان، محدوده را صادر بر اینها با ترتیب زن و مرد و همین‌در حال طرح گاهی برگ مواد نشان می‌دهد.



حیوانی، گذشته از آنکه عیناً در آثار معماری به وفور دیده می‌شد، بر روی سفال‌های عهد اسلام تیز نقش بسته و انواع آنها را بصورت گران، غزال و دیگر جانوران، زینت‌بخش طروف خویش قرار داده‌اند. در آثار گچی دوران ساسانی، بندرت آثاری از گچی نقش انسان دیده شده است و آنچه که وجود

دارای موتیف‌های انسانی بوده و چنین حکایت دارد که هرمندان عهد ساسانی در ابداع صورت‌سازی کوتاهی نکرده و تا آنجا که توانسته‌اند با امکانات و وسائل محدود آن زمان، مجسمه و یا نقش بر جسته‌های گچی را بوجود آورده‌اند. با بررسی سفال‌های منقوش از عهد ساسانی بعد، درخواهیم یافت که طرحهای انسانی و



تصویر شماره ۱۶: صحنه شکار خسرو دوم که در دیوار ضلع شرقی طاق بستان قرار دارد و تلقین نقش گیاهی، انسانی و حیوانی را نشان می‌دهد.

جمله این آثار دو مجسمه از بهرامگور است که سوار بر اسبی در حال شکار در آثار گچبری چال ترخان و نیز در آثار گچبری طاق بستان نشان داده است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). نظیر این اثر را در حفريات قلعه یزد گردید^{۱۸} بحسب آورده اند که در آن آثار، نقش انسان و حیوان و نقش اساطیری که اینگونه با گیفت سمبیلک^{۱۹} در نظر گرفته میشده و گاهی درون قاب های گچی ظاهر می یافته اند و نیز موئیقی از یک درخت که نامش را در دوران اسطوره ای (اساطیری)، درخت زندگی دانسته اند، ملاحظه میگردد: نظیر این نقش ها در آثار موجود گچبری بسیار بچشم میخورد و تنوع کار در هارمونی و هماهنگی است که بین نقش های گیاهی از یک طرف، و نقش های انسانی و حیوانی از طرف دیگر وجود دارد. در موزه فیلadelفیا نقش زنی را با کلاه نشان میدهد که

داشته، الهامی از حجاری و سنگتراشی بوده است؛ از جمله نیم تنه اردشیر دوم که در قصر ساسانی کیش می باشد.

در دوران اشکانیان، در تزئین معماری از هنر مجسمه سازی بهره گیری شده و بخصوص در قصرهای سنگی این عهد در هتراء در محل طاقها، این نقش بکار برده شده است که بعدها در سبک معماری رومی و گوتیک فرانسه مورد تقلید قرار گرفت^{۲۰} (تصویر شماره ۱۴). در این نوع مجسمه ها که بیشتر بصورت مجسمه نیم تنه می باشد، جنبه های تمثیلی مطرح است و هر صورتی عنصری سمبیلک را القاء می نماید که شکل انسان یا فرشته در نهایت علاقه و اعتلا در اینگونه آثار بچشم میخورد و کمک از حالت تمثیلی خارج گشته و به ابداع طرح مجسمه بصورت واقعی مبدل شده است. از



تصویر شماره ۱۷: دو نمونه از زیبازهای نقره‌ای عهد ساسانی که دارای طرحهای شبیه و متأثر از نقش گچبری می‌باشد.

شاید نشانه‌ای از یک ملکه باشد، در حالیکه اطراف آنرا بصورت تزئین البسه بکار برده شده است. بطور مثال در تزئینات گیاهی فرا گرفته‌اند.

تصویر شماره ۱۷: دو نمونه از زیبازهای نقره‌ای عهد ساسانی که دارای طرحهای شبیه و متأثر از نقش گچبری می‌باشد. در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که بطور کلی نقش زن در آثار گچبری عهد ساسانی بطور محدود و محدود بکار گرفته شده است و در همه جا جنبه‌های تقدس و سمبلیک در آنها ملحوظ بوده است و اغلب بر بالای سر آنها هلالی با تزئینات اضافی دیگری بر روی لباسهایشان که دارای نیم تن می‌باشد، بکار برده شده است و معروفترین این نوع نقش برجسته، مربوط به آناهیتاست.^{۲۰}

(۱۸)

طرحهای حیوانی روی آثار گچبری عمده شتر، گوزن، گران، شیر، عقاب و پرندگان کوچکی هستند که بیشتر در تزئین فضاهای خالی بکار گرفته می‌شده‌اند. معروفترین نقش حیوانی در گچبری، دو گوزن در حال

مراسم تاجگذاری و آئین‌های مربوطه نیز در آثار گچبری نقش عمده‌ای را ایفاء کرده‌اند. درین متیف‌های گیاهی و انسانی وحیوانی، دائمًا هارمونی وجود داشته است و گاهی نقش یک نوع گیاه

- تصویر شماره ۱۸: یکی از سکه های عهد ساسانی با نقش خسرو دوم که در بالا نقش ماه و ستاره و در زیر آن دویال و در سمت راست خط پهلوی ساسانی مشاهده می شود که شبیه تابلت مکوفه ای است که آرم داشتگاه را از روی آن ساخته اند.



اطرافش را با برگهای پالمت استیلیزه شده تزئین نموده اند و معمولاً در اینگونه قاب ها، گراز طوری قرار دارد که مرکز قاب واقع شده و دندان پیشین او بطرز زیبایی از دهان خارج شده است. نظری این اثر را به وفور در سرسرای نشان داده شده است. نظری این اثر را به وفور در سرسرای موزه ایران باستان ملاحظه می نماییم (تصویر شماره ۲۰).

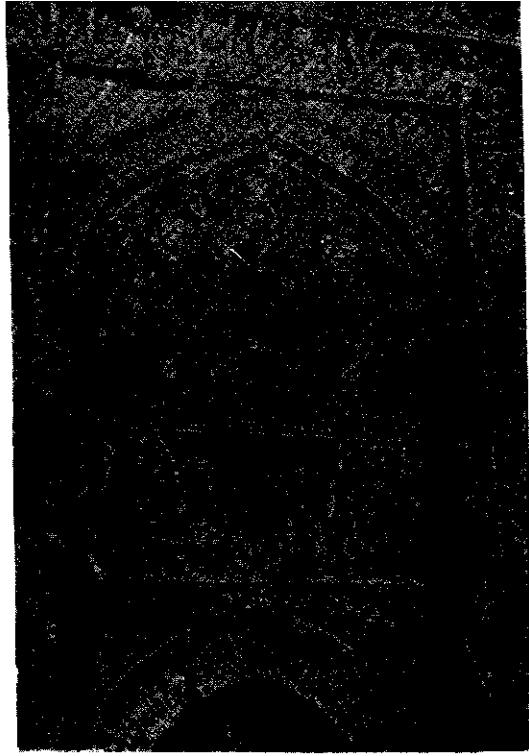
شکار شدن اند که یکی بدون شاخ و دیگری گونی با شاخهای بلند است (تصویر شماره ۱۹) و دیگر نقش گراز در حالت های مختلف مشاهده شده است. معمولاً نقش اخیر در داخل یک قاب چهارگوش که دورش را با موزائیک تزئین کرده اند، نشان داده شده است و در جای دیگری در قاب دایره ای قرار داده شده، در حالیکه

- تصویر شماره ۱۹؛ یک قطعه استوک گچبری که دو بز کوهی را در کنار درخت مونشان می‌دهد. در این تصویر نقش حلوپنی و برگ تاک و خوشة انگور نیز بهشم می‌خورد که درون کادر مریع قرار دارد.



است؛ بطوط مثال در روی یک قطعه گچبری، عقابی دیده میشود که پنجه هایش بر روی شاخه های انگور قرار دارد و در گچبری دیگری با استفاده ازدوایر و چهارگوشهای منظم، در داخل دائیره هائی، میوه انگور و برگ آن نمایش داده شده است، و نیز در دیگر نقش های گچبری از مرغ خیالی یا سیمسون و نیز طاووس یا کرکس و کبک

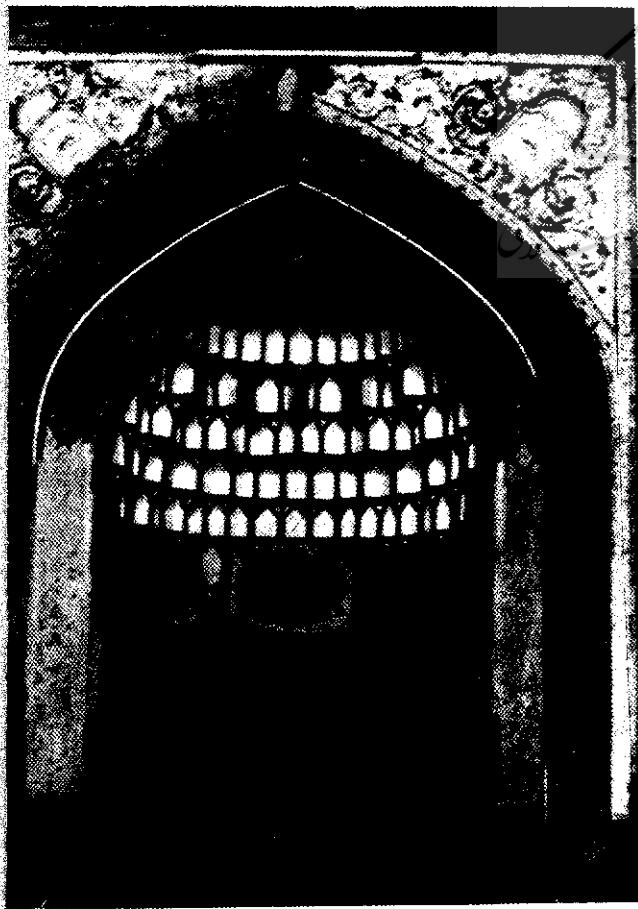
حیوانات دیگری نظیر اسب، شتر و شیر نیز در آثار گچبری برای خود جایی دارند؛ مثلاً در یکی از آثار گچبری، شیری را در قابی مستطیل شکل و بصورت عضبانی مشاهده می کنیم که اینک در موزه برلین موجود و مربوط به کاخ تیسفون است.
در آثار گچبری، نقش پرندگان نیز رعایت شده



٢٣



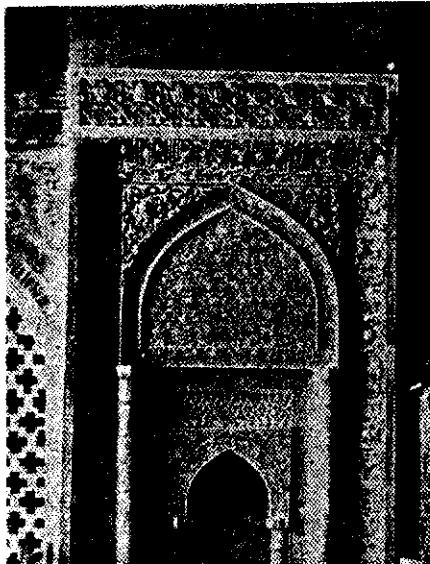
٢٤



٢٥



٢٦



٢٧

با خط های د کوراتیو^{۲۲} و بازی با آنها، نقش های زیبایی از خطوط کوفی را که بعدها بنام کوفی گلدار و ساده و غیره معروف گشت، بوجود آوردند و ما امروز اغلب کتبه های قدیمی اسلامی را که کتبه های گچی هستند، مشاهده می نمائیم.

نکته مهم اینست که پیش از رواج کاشیکاری، گچ، بمعنای واقعی در زیبایی و در تکمیل بناها بکار میرفت و با انتشار هنر کاشیکاری، رفته رفته جای خود را به کاشی های الوان و زیبایی داد؛ کما اینکه در اوآخر دوران اولیه اسلامی می بینیم که مجسمه سازی نیز همچون هنر گچبری بکلی از میان میرود و هنرمندان این فن به عوامل طبیعی روی آور میشوندو بدرون مساجد قدم میگذارند و فن گچبری را مذهبی می نمایند و محراب و طاق و طاقچه و گنبد و رواق های مسجد و حتی برخی از مناره ها و ستونها را به کاردک های گچبری میسپارند و طرحهای اسلامی را همراه با خطوط کوفی و گل و بُته و نیز سوره ها و آیه های قرآن کریم بر رویشان طراحی میکنند که نمونه ارزشمند این رویداد هری مسجد جامع اصفهان و بخصوص محراب باعظمت آن است. و دیگر آثار تیموریان در مجموعه ای تاریخی در سیطام شاهروд است که نشانگر تداوم گچبری بعنوان طرحهای تزئینی مذهبی در دوره اسلامی است و نیز محراب مسجد هشتویه در اصفهان که از آثار دوران سلجوقی می باشد (تصاویر شماره ۲۲، ۲۳ و ۲۴).

۳- چند نمونه از آثار گچبری این دوران

از دوران حکومت ساسانی، آثار فراوانی در دست است که بی تردید نشانگر روحیات هنری و خلاقیت های ذهنی هنرمندان در آن عصر می باشد؛ چه، در لابلای سطوح مختلف هنری و انواع گونه گون هنر این دوران این خصوصیت ها را میتوان یافت. اما صرف نظر از آثار باشکوه معماري، نقوش برجسته، قالی یا ظروف نقره ای وغیره می توان کارهای گچبری و تزئینی را که

- تصویر شماره ۲۰؛ یک قلمه گچبری مکشوفه از کاخ دامغان که دارای نقش گزار در درون قالب دایره ای شکل می باشد و در موزه دانشگاه فیلادلفیا است.

- تصویر شماره ۲۱؛ طراحی از استوک ساسانی که در کاخ تیسفون بدست آمده است در آن خط پهلوی در بالای دو بال دیده می شود که آن مسابق دانشگاه تهران از روی آن ساخته شده است و اینک در موزه متروپولیتن موجود است.

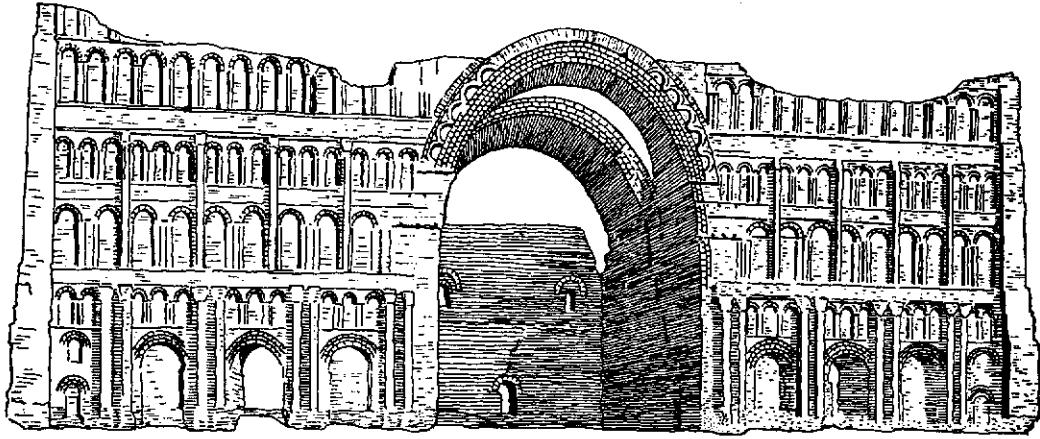
- تصویر شماره ۲۲؛ محراب ارزشمند مسجد جامع اصفهان که نمونه کاملی از شیوه های مختلف معماری و هنر های تزئینی و نمونه مکتب خاص معماری ایران در عصر سلجوقی است.

- تصویر شماره ۲۳؛ محراب مسجد هشتویه مربوط به دوران سلجوقی در اصفهان که بطرز زیبایی گچبری شده است گچبریهای این محراب شباخت زیادی به آثار تزئینی عهد ساسانی دارد و شامل گل و بوته و ریز کارهای طریف و کتبه های بخط کوفی می باشد.

- تصویر شماره ۲۴؛ محراب مسجد جامع سلجوقی در سیطام که دارای تزئینات گچبری در پیشانی محراب است.

می توان نشانی یافت.

بنابراین در یافیم که آثار گچبری، زینت بخش دیوار کاخها و طاق و طاقچه و سردرها بوده، لیکن با نظری کوتاه به آنچه که از آثار مکتوب گچی در حفریات بدست آمده، چنین بمنظور میرسد که بر روی کتبه های مکشوفه، آثار طرح های گچبری نیز مذکور بوده است. یک نمونه از این آثار، تابله^{۲۱} (کتبه ای) است به زبان پهلوی که در موزه برلین موجود است و در آن آرم دو بال دیده میشود (آرم دانشگاه تهران) که دارای فرم زیبایی است و نمونه ای از این طرح در موزه ایران باستان قرار دارد که حالت تزئینی داشته و یک قاب چهار گوش اطراف آنرا فرا گرفته است (تصویر شماره ۲۱). از آثار موجود چنین برمی آید که شیوه بکارگیری خط بر روی گچ از عهد اشکانیان شایع شده باشد، اما چون در این زمینه اثری در دست نیست، تصور میشود که ساسانیان رواج خط را با طرح اندازی بر روی گچ متداول ساختند که همراه با مؤثیف های اولیه بکار برده میشده است و این روش در دوران اسلامی نیز تداوم یافت و به تکامل رسید و باعث شد تا طرحهای اسلامی و خطاطی روی کار آید و زینت بخش آثار اسلامی گردد؛ چه، هنرمندان این عصر



تصویر شماره ۲۵: نمای عمومی کاخ تیسفون یا طاق کسری که ایوان مداری هم خوانده می شود و تا حدودی تزئینات گچبری را نشان می دهد.



تصویر شماره ۲۶: یک قطعه گچبری اشکل دایره با گل گچبری شده مکشوفه از کاخ تیسفون که شباهت فوق العاده به گلهای تزئینی کاخ المظفر در سامراء دارد.

فوق العاده زیبایی هستند که در این مقاله ضمن شرح قسمتی از آنها، به تشریح عوامل و مؤیف های تزئینی شان خواهیم پرداخت.

برخی از تزئینات گچی بصورت الحاقی هستند. یعنی بدون اینکه در بنا و یا ساختمانی بکار رفته باشند، با

الگویی جهت خلق آثار دیگر گچی در دورانهای بعد از آن و حتی در خارج از مرزهای ایران اسلامی شد، یاد کرد.

تعدادی از آثار و بنایهای با ارزشی که در عهد ساسانیان بر پا داشته شده اند، دارای تزئینات گچبری

بنای اصلی بر روی صفة‌ای قرار داشته و در مرکز، طاق بزرگ آنست و در طرفین، دیوارهای مزین به طاق نماهast که در شش طبقه قرار داشته است (تصویر شماره ۲۵). این کاخ از آجر بنا گردیده و در نما از روکش مس استفاده شده، که با برگ‌های نازک زر و سیم (طلاء و نقره) تزئین یافته است و گنبده، بر فراز تالار اصلی قرار داشته است. تزئینات کاخ غیر از ورقه‌های مسی و طلایی و نقره‌ای، سنگهای مرمر رنگین و موزائیک شیشه‌ای نیز بوده است. در سالهای اخیر ضمن کاوش‌های علمی، به آثاری چند از گچبریهای با طرح‌های متنوع برخورده اند؛ از جمله یک عدد مجسمه نیم‌تنه برجسته، یک قطعه گچبری که دارای نقش گیاهی با برگ مو (تصویر شماره ۲۶)، یک قطعه گچبری با نقش حیوانی که بشکل مرغ خیالی شبیه طاووس و یا سیم رغ است و یک قطعه گچی بشکل صلیب شکسته که آثار فوق در حال حاضر در موزه‌های برلین^{۲۳} و متropolitén^{۲۴} نیویورک موجود است. گذشته از چند اثر فوق، می‌توانیم از آثار تزئینات نقاشی روی گچ باد نمائیم که در این نقاشی، تسبیح انطاکیه را نشان داده است که تصویر اخیر با اندکی گستردگی و بصورت موزائیک، در کاخ بیشاپور نمایان شده است.

۳- آثار گچبری در کاخ چال ترخان (ری)

از آثار گچبری، آنچه که بیش از همه برچشم می‌نشیند، آثاری است مربوط به کاخ چال ترخان که بی‌شک اکراین کاخ سالم برجای ممی بود، می‌توانست یک موزه عظیمی از کارهای گچی و گچبری باشد. بموجب آثار برجای مانده، این کاخ مربوط به بهرام‌گور بوده و چون در منطقه‌ای از دشت نزدیک به شهری قرار داشته است، لذا در گذشته بصورت محل شکار و استراحتگاه بهرام محسوب می‌شده است

حفاریهایی که در این منطقه توسط دمورگان^{۲۵} و پرسور اشیت بعمل آمد، باعث گردید که منطقه ورامین نیز در سال ۱۹۰۹ مورد توجه قرار گیرد و در نتیجه چند

الحق و اتصال و یا نصب، جنبه تزئینی به آن اثر داده اند نظری مجسمه‌های گچی و یا لوحه و قطعات بکار گرفته شده، و یا آنکه بطور جداگانه متنضم وجود قطعه‌ای مستقل می‌باشد، نظری طاقچه‌هایی که در چال ترخان ری بدست آمده است که جملگی نموداری از خاصیت شکل‌گیری گچ هستند که بعدها با رنگ ایرانی بر روی آهazینت بخش تالارها و کاخها وبالآخره در دوران اسلامی، عامل تزئین مساجد و مدارس در ایران و خارج از ایران اسلامی گشته‌اند.

۱- کاخ فیروزآباد

بنای این کاخ منسوب به اردشیر ساسانی است و این مطلب از سوی مورخین اسلامی نظری ابن فقيه و مقدسی و اصطخری تایید شده است. این بنا از محدود بناهای با شکوهی است که در دوره ساسانی با استفاده از ستگواره‌های عظیمی بر پا داشته شده است.

طرح این کاخ ترکیبی است از اطاقهای پذیرایی و ساختمانهای اختصاصی که اینک ویرانه‌ای از مجموعه کاخ فیروزآباد باقی مانده است. از آثار و بقایای کاخ مذبور چنین بر می‌آید که در زمان آبادنی، بخصوص چهار طاقی آن وسیع و زیبا بوده است. کاخ فیروزآباد اولین بنای طاق‌دار ساسانی است که گذشته از طاق بلند و ایوان زیر آن، از نظر هلال و نحوه گذبزنی، قابل مقایسه با طاق کسری می‌باشد.

طرز معماری آن سنگی است و از بکارگیری سنگهای پرچجم و اتصال دادن آنها بیکدیگر ایجاد شده است. دیوار قصر دارای تزئیناتی از مرمر حجاری شده و منقوش بوده و در بعضی قسمتها از تزئینات گچی استفاده شده است.

۲- طاق کسری یا کاخ تیسفون

عظیم ترین قصر شاهان ساسانی، قصر تیسفون بوده است؛ در زمینی بمساحت ۱۲ هکتار شامل بناهای عظیمی است با نام ایوان مدانی که از این مجموعه عظیم تنها طاق کسری و برخی از اجزای آن باقی مانده است.

بنای دیگر عهد ساسانی از جمله تپه میل ورامین و
قطعات زیادی از گچبری کشف گردید.

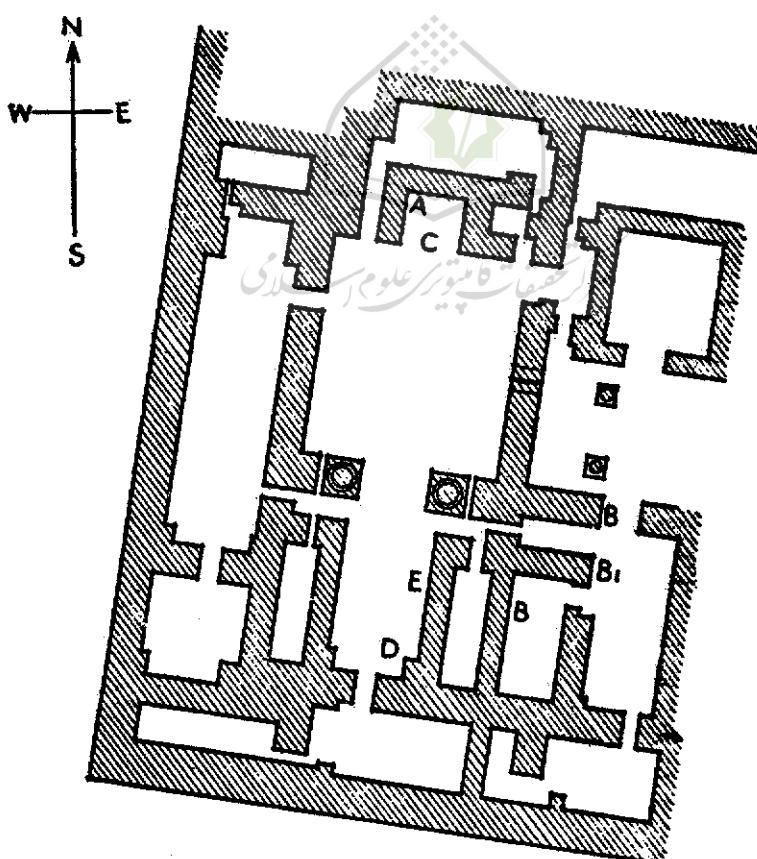
بمقایسی آثار گچبری چال ترخان که اینکه
زینت بخش گالریهای موزه ایران باستان می‌باشد،
غذی ترین گنجینه از این آثار را بما عرضه میدارد. در این
آثار، نقش‌های متنوع و گونه‌گونی بصورت خشت‌های
مربع، نقوش سه‌گانه هندسی، گیاهی، حیوانی، نقش
شکارگاه، و صحنه‌های مختلف شکار – که بعدها این
شیوه در هنر اسلامی نیز رواج یافته – نقش بر جسته‌های
گچی از حیوان و انسان، نقش بهرام در حال شکار و
یکی دیگر از پادشاهان ساسانی را که سوار بر اسبی
نشان میدهد، و هم‌چنین نقش آناتیا و نقش زن بر روی

- تصویر شماره ۲۷: پلان کاخ شاهزاده کیش

چند خشت مربع، آرایش مختلف مو و گردن‌بندی بر
گردن با آرایش گل لوتوس را شاهد می‌باشیم.

از مجموع این آثار چنین برمی‌آید که هنرمندان بر
روی کلیه قسمت‌های دیوار و سقف و ورودیها و
هم‌چنین ستونها از تزئینات گچی استفاده کرده و
بمنظور ایجاد تنوع، ستونها را بفرم‌های مختلف گچ آندود
کرده‌اند و این به سبب قطر زیاد ستونها بوده است و
خالی از ظرافت نیست، که بمدد نقش‌های هنرمندانه
این ضخامت را به ظرافت تبدیل نموده‌اند که بعدها این
سبک در مساجد اسلامی رونق بسیاریافت.

۴- آثار گچبری در کاخ کیش
در مورد آثار بر جای مانده گچبری در کیش، جز

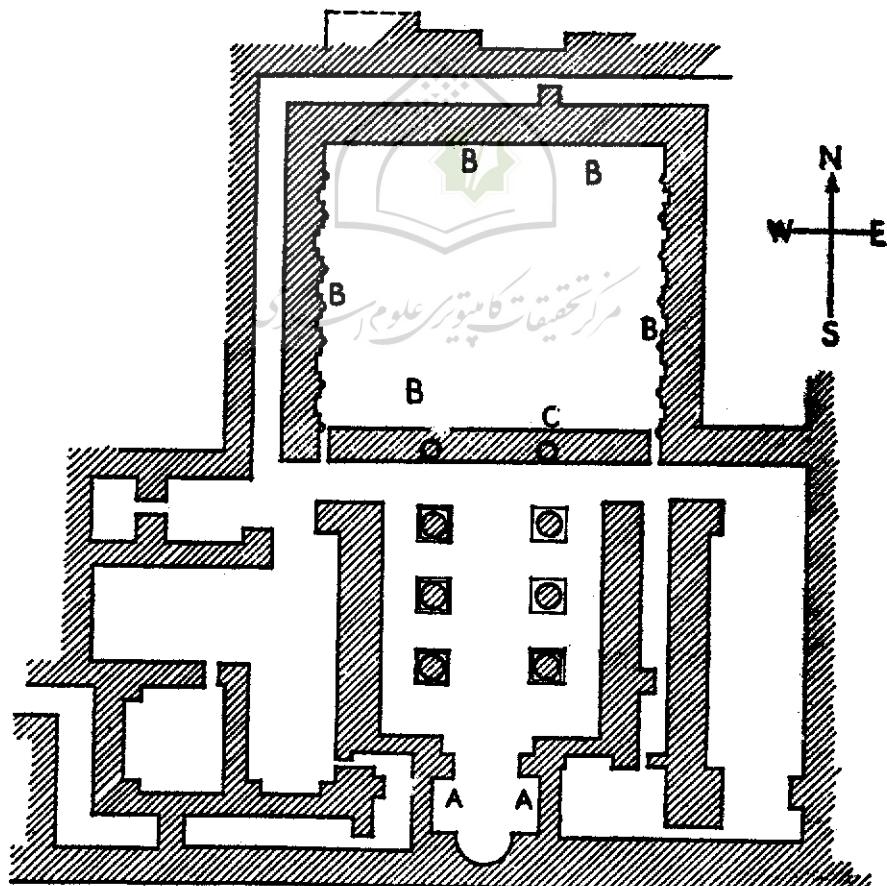


اطلاعات و آگاهی بیشتر در مورد جنبه‌های تاریخی و گرافیایی سرزمین کیش در آبهای نیلگون خلیج فارس، می‌توان به کتاب یاد شده مراجعه نمود.

از مطالعه کتابها و مقالاتی که درباره جزیره کیش نگاشته شده و در این گفتار برخی از آنها را نیز ذکر کرده‌ایم، چنین بر می‌آید که جزیره کیش یک جزیره مسکونی باستانی در جنوب ایران بوده که از دوران هخامنشی و پس از آن بصورت شهری آباد وجود داشته و حتی در دوران قاجاریه نیز محل داد و ستد وستن پیمان نامه‌ها و قراردادهای تجاری و بازرگانی بوده است و بهمین سبب بنچار در آن عهد مورد توجه حکام ساسانی و دیگر حکومت‌های منطقه قرار گرفته و بنای کاخی در

مقالات و کتابهای پروفیل پوپ^{۲۶} و نیز مقاله یورگیس مالروساوی^{۲۷} آنچه که بتوان بر اساسش به کیفیت و خصوصیات این آثاری برد، در دست نیست و هر چند که احمد اقداری در کتاب «شهرهای باستانی سواحل و خلیج فارس و دریای عمان^{۲۸}» درباره موقعیت گرافیایی و تاریخی شهر کیش مطالبی را عنوان کرده است، با این حال نسبت به آثاری که در دهه اخیر بر اثر بررسی و اکتشافات تازه، اعمت از معماری و تزئینات گچبری بدست آمده، اشاره‌ای ننموده است و تنها از بازار کیش نام برده و نیز درباره مسجد جامع قدیمی آن اشاراتی نموده است وجا داشت که نسبت به این آثار توضیحات بیشتری همراه با عکس ارائه میداشت. برای

- تصویر شماره ۲۸: پلان کاخ شماره ۲ کیش که در حقیقت کاخ اصلی و بزرگ کیش است.



را در میان یک دایره مشاهده می‌نماییم و در طرحهای بعدی کادرهایی را می‌بینیم که خطوطی عمودی و افقی، فواصل بین آنها را پر کرده است.

از دیگر نقوش گیاهی در آثار کیش نقش درخت و میوه انگور و برگ آن است و حرکات منظم پیچک و انحنای آنها در ترکیب با برگهای انار و میوه انار بصورتهای مختلف بدست آمده است.

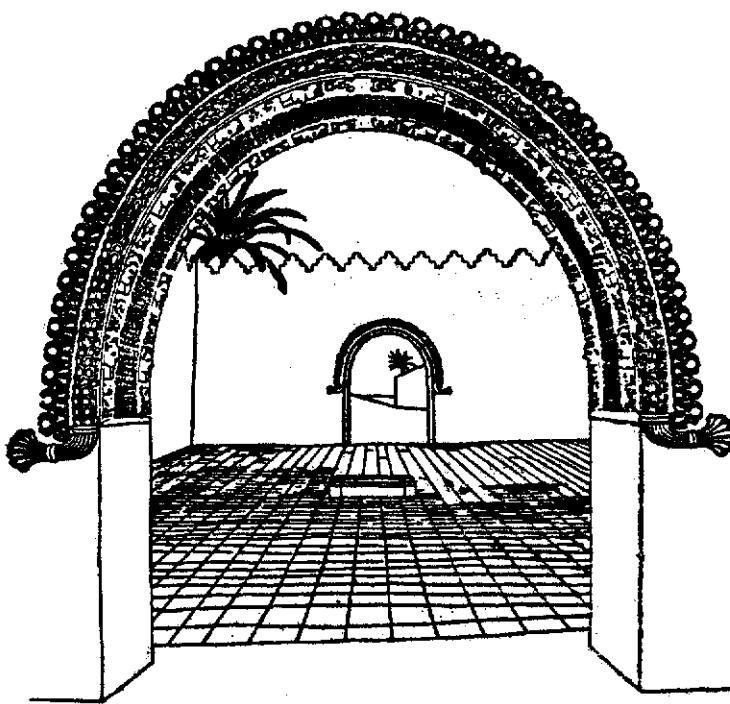
نقش حیوان و انسان در آثار گچبری کیش کمتر دیده شده است و تنها نمونه این طرح نیم تن انسانی است با تاجی برس که بنظر میرسد یکی از مقامات حکومتی باشد. (تصاویر شماره ۳۲ و ۳۳ نشانگر موتیف های حیوانی و انسانی است). آخرین اثری که در کیش بدست آمده، کتیبه ایست با نقش قلب های معکوس و بصورت یک در میان و یک برگ منفرد خنجری شکل که فضای بین آنها را پر می‌سازد و به نقش منور پیوستگی و دوام بخشیده است. برخی از طرحهای مربوط به نمونه های این نقش ها را در ادامه مطالب ارائه خواهیم داد.

۵- آثار گچبری در کاخ ساسانی دامغان

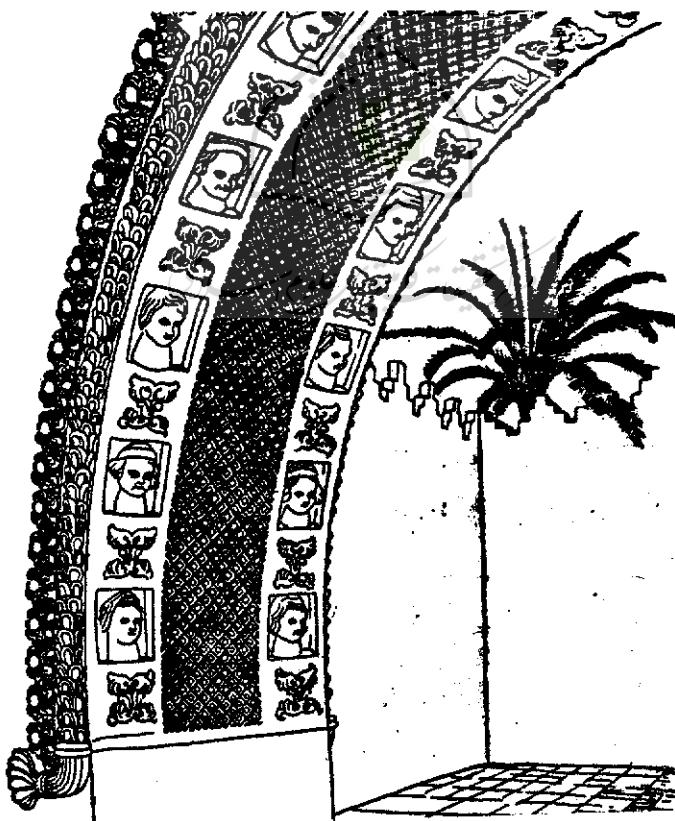
از آثار با ارزش دوره ساسانی می‌توان کاخ ساسانی دامغان را ذکر کرد. بطور کلی دامغان یکی از شهرهای پیش از تاریخی و معتبر ایران پیشمار می‌رود که دارای گذشته‌ای تابناک از نقطه نظر هنر و تمدن بوده است. در کنار شهر دامغان، آثار تپه های باستانی بچشم می‌خورد که به آنها قام تپه حصار را داده اند، که ابتدا توسط پرسپور هرتسفلد و سپس در سالهای ۱۹۲۱- ۱۹۳۲ توسط اریک اشیت حفاری گردید و سه طبقه متمایز در آن تشخیص داده شد که هر سه طبقه مربوط بدوران پیش از تاریخ می‌باشند.

از نظر طرح و فرمهایی که از ساختمان سفالها بر می‌آید، می‌توان کاربرد چرخ کوزه‌گری را حس نمود و هم‌چنین آثار معماری پیش از تاریخ نیز در این مجموعه تپه ها، را با نام «شهر صد دروازه و داردانل» آشنا

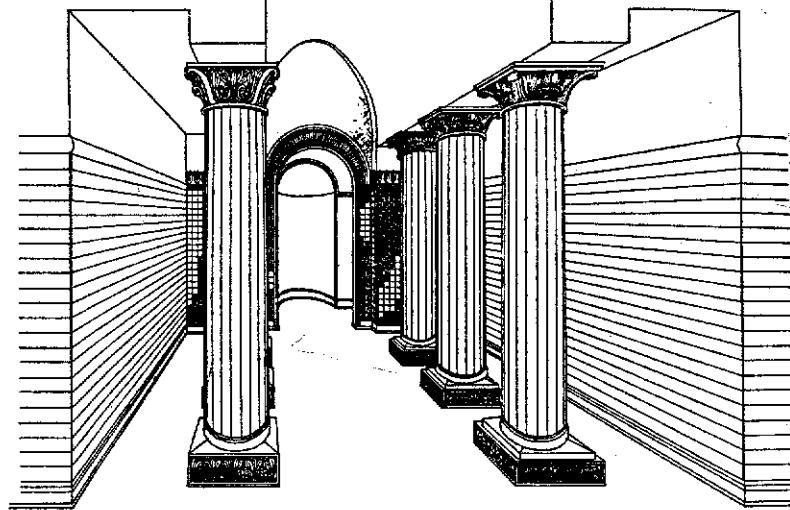
کیش نیز با توجه به هدفهای فوق انجام گرفته است (تصویر شماره ۲۷ و ۲۸ پلان کاخهای کیش) بیورگیس مالتروفسایی، در مقاله خود راجع به آثار گچبری در معماری کاخ کیش که در کتاب «هنر ایران^{۲۹}» بچاپ رسیده است، به قطعاتی از آثار گچبری که منحصراً در قسم طاقهای گهواره‌ای و نیز فریزهایی که بر روی دیوار نصب شده است، یاد می‌کند که نقوش آنها شامل طرحهای گیاهی و هندسی می‌باشد (تصویر شماره ۲۹ و ۳۰). از مجموع طرحهای ارائه شده در مقاله مذکور حدوداً چهل نوع موتیف شناخته شده است که ضمن اشاره به این آثار نمونه هایی از این نقوش را هم معرفی می‌نماید. نقوش هندسی شامل طرح دایره‌ای شکل است که گل‌های چهار پر را ارائه میدهدند و سیس با رنگهای طلایی و نقره‌ای رنگ آمیزی شده‌اند و برخی دارای رنگ لاجوردی می‌باشند که در کادرهای مربع یا مستطیل جای گرفته‌اند. مورد استعمال این نوع کادرها در حاشیه نقوش گچبری اصلی بوده است و در این کاخ بر روی ستونهای طرقین ورودی و یا در فاصله طاقچه‌ها بکار میرفته‌اند (تصویر شماره ۳۱). نظیر این کادرها در آثار مدان (طاق کسری) و چال ترخان و کاخ دامغان نیز وجود دارد، با این تفاوت که در این محل های نقوش حیوانی و انسانی و گیاهی در یک کادر به چشم می‌خورد و یا بصورت منفرد در کادرهای مربع یا مستطیل شایع بوده‌اند؛ از جمله نقش زنی در کادر مربع و یا گراز و آهو و نقوش شکارگاه در چال ترخان، که سه نوع موتیف را قبل از داده ایم که این شبیه بعدها در دوران اسلام بصورت کادرهای کثیرالاصلال مورد استفاده قرار گرفته است و در عصر سلجوقی به نظایر آن برمی‌خوریم از معروفترین طرحهای گیاهی در آثار گچبری کیش طرح برگ پالمت است که با الهام از نقوش برجسته هخامنشی، در این عهد راه یافته و در صورت های گونه‌گون متجلی شده است. در قطعه‌ای از گچبریهای کاخ کیش، در میان چهار برگ پالمت، نقش گل لوتوس



- تصویر شماره ۲۹: طرحی از نمای سردر کاخ کیش (۱) با آرک و تزئینات گچبری.

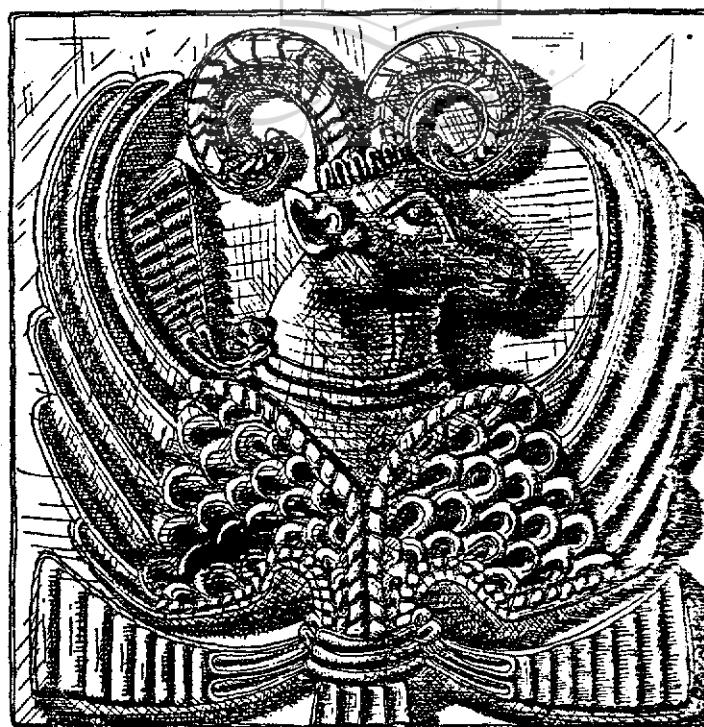


تصویر شماره ۳۰: جزئیات گچبری زیر آرک سردر ورودی کاخ کیش در مقاله واسکین در کتاب معماری ایرانی اثر پوپ.



تصویر شماره ۳۱: طرحی از نسای کاخ اصلی کیش که نمودار فرم سوزنها و تزئینات گپبری در روی سرستون و ته سرتهاست. از مقاله «گپبریاهای ایرانی» در کتاب «هنر ایرانی تالیف پوپ».

تصویر شماره ۳۲: یک قطعه گپبری با تصویر گوزن با دوشاخ بند مارپیچ درون کادر مربع و دیگر تزئینات گپبری که در کاخ کیش بدست آمده است.





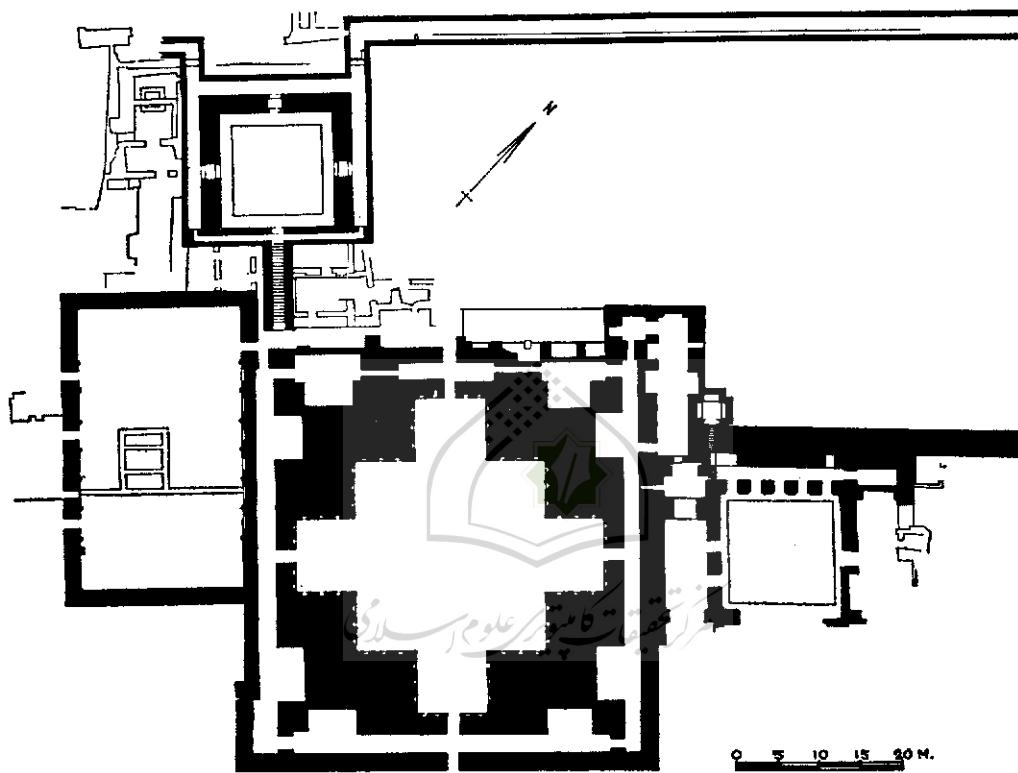
تصویر شماره ۳۳: نقش انسانی در گجریها که چهره یک نیلوان را نشان می‌دهد؛ از آثار کاخ کش.

تصویر شماره ۳۴: نقش حیوانی در گجریها که چهره یک شیررا نشان می‌دهد؛ از آثار کاخ کش.





تصویر شماره ۳۵: یک نمونه از استوک گچبری ساسانی مکشوفه از کاخ دامغان که نشان دهنده طرح زیبایی از ترکیب گل پالمت و ریزمه‌های می‌باشد.



تصویر شماره ۳۶: پلان کاخ بیشاپور ساسانی در فارس.

دیگری را که بسبک و سیاق گچبری‌های ساسانی تزئین شده‌اند، در این شهری توائیم مشاهده نمائیم. آثار بر جای مانده از این کاخ نشان دهنده ارزشی است که در آن عهد برای هنر قابل می‌شده‌اند و در یک ترکیب جامع و بدیع از معماری و تزئینات گچبری، توانسته‌اند کاخی چنین زیبا بر پا دارند. فرم طاقها و گنبدی که بر روی چهار طاقی زده شده، تا حدودی شباهت به چهار طاقی‌های آتشکده دارد. یک تالار

می‌سازد که نشان دهنده یک شهر با عظمت در دوران تاریخی گذشته می‌باشد. با این حال، از تمامی این شهر و آثار معماری، که مهم ترین آن مربوط به کاخ اصلی می‌باشد، قطعاتی چند از نقش تزئینی گچبری بر جای مانده است. از آنجا که شهر دامغان (صد دروازه قدیم) پس از ظهور دین میان اسلام و آغاز دوران هنر اسلامی و بخصوص در دوران مغول و تیموریان مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، لذا بهمین سبب آثار معماری اسلامی

و در داخل آن، قاب مریع شکل کوچکی است و صورت ژئی بر آن نقش بسته است و در فاصله ایندو مریع کوچک و بزرگ، برگهای بالست فضای خالی را پر کرده‌اند. این قطعه در حال حاضر در موزه ایران باستان قرار دارد که بعدها در عصر اسلام، در نقوش قالی از آن اقتباس شده است. از نقطه نظر موتیف، شاید نشانه‌ای از آناهیتا یا میترا باشد و نمونه دیگر آن در موزه فیلادلفیا در آمریکا می‌باشد، با این تفاوت که اطراف سرزن‌هale است و بر سرش پیشانی بند، دو قاب از برگهای زینتی پالمت دورش را گرفته است.

از طرحهای حیوانی می‌توان از نقش گوزن، بزرکوهی، گراز و حتی شیر یاد کرد که هر کدام از آنها درون دایره‌ای قرار گرفته‌اند و اطرافشان با تزئینات گیاهی آرایش داده شده است.

۶—آثار گچبری در کاخ بیشاپور

کاخ شاپور و معبد مجاور آن، بوسیله هیأت باستان‌شناسی مشترک ایران و فرانسه حفاری و قسمت عمده تالار عظیم آن از زیر خاک خارج گردیده است. جزئیات ساختمانی این کاخ عبارتست از: تالار عظیم هشت گوشه، که سطح آن یک متر از سطح معبد بلندتر است. این نوع طرح، بعدها در بیشتر بناهای اسلامی منطقه فارس بکار گرفته شد و نمونه جالبی جهت ادامه ساختمان‌های تالار و شاهنشاهی اماکن متبرکه بشمار می‌رود و مخصوصاً در اغلب بناهای عهد صفوی و زندیه بنام کلاه‌فنگی اقتباس شده است. مصالح بکار رفته در این کاخ، عمده سنگ و گچ می‌باشد. در اطراف چهار شاهنشاهی کاخ، طاق‌نمایانی تعییه شده است. تالار عظیم مرکزی ۲۲×۲۲ متر وسعت دارد و طاق‌نمایانها نیز دارای قوس بیضی شکل می‌باشد (تصویر شماره ۳۶). دیوار تالار دارای تزئینات گچبری بسیار زیبایی بوده است. سطح کف با گپهای رنگی، تزئین و روی آن اندود گچ بوده است. در ازارة ایوان‌های مجاور تالار، تزئینات موزائیک رنگین با زیبایی خاصی بکار رفته است و از

مستطیل شکل در مغرب، و دورگاه عمیق در شمال و جنوب، و ایوان ستوندار در ضلع شرقی که تعداد شش ستون در داخل آن می‌باشد، با یک ورودی بزرگ که گندم نیز بر فراز چهار طاقی همین ورودی کاربندی شده است، مجموعه کاخ را بهمراه حیاط وسیع آن تشکیل میدهد.

آثاری که توسط اشیت بدست آمده، شامل تعدادی قطعات گچبری تزئینی است که معمولاً بر روی طاقچه‌ها و یا سردر ورودی و بر روی ستونهای داخل ایوان نصب بوده است که اینک در موزه ایران باستان + قرار دارند. در آثار گچبری این کاخ، موتیف‌های گیاهی، حیوانی و انسانی بیشتر بچشم می‌خورد.

مهمنتین نقش گیاهی در آثار گچبری این کاخ، نقش پالمت است که در بیشتر آثار معماری این عهد بدان برخورد کرده‌ایم؛ نظیر چال ترخان، کشیش، طاق کسری،... و در آثار دوران اسلامی نیز بچشم می‌خورد. نقش پالمت آشنایی خواهیم یافت و می‌بینیم که چگونه به تکامل رسیده و بصورت نقش درخت خرماء ظاهر می‌باید. عمده‌ترین طرح‌های پالمت در این کاخ عبارتنداز؛ پالمت سه برگی در داخل یک قلب معکوس، پالمت چند برگی در داخل مریع و دایره که در گناش نقش پالمت سه برگی را برگی را بر نمای دیوار جای داده اند (تصویر شماره ۳۵). پس از پالمت، طرح و موتیف‌های هندسی نیز بر روی آثار قرار داده شده‌اند که شبیه دایره‌های درهم و نیز نقش ستاره‌ای و لوزی شکل است که بر روی دو ستون ایوان دیده شده است و نیز نقوش زیگزاگ و خطوط درهم عمودی و افقی را می‌توانیم بر روی سرطانی‌ها ملاحظه نمائیم.

ترکیبی از نقوش گیاهی و حیوانی و انسانی و نیز نقوش انسانی و حیوانی را بطور انفرادی و یا نقوش حیوانی و گیاهی را با هم در کارهای گچبری این کاخ مشاهده می‌کنیم. معروف‌ترین قطعه گچبری بنام زنی در پشت پنجره خوانده می‌شود که شامل یک قاب مریع شکل

جمله نقش روی موزائیک‌ها نقش یک زن رامشکر است که در حال نواختن چنگ می‌باشد. این قطعه موزائیک در موزه ایران باستان قرار دارد.

کاخ بیشاپور از جمله آثار با ارزش ساسانی است که بی شبهه، از نقطه نظر کاربرد معماری و تزئینات داخلی، از محدود آثار جالب این عهد بشمار می‌آید. در دهه اخیر هیأتی از باستانشناسان ایرانی به سر پرستی دکتر علی اکبر سفراز استاد رشته باستانشناسی دانشگاه تهران با حفاری‌های پیگیر در کاخ، موفق شده اندیه قسمت‌هایی از تاریخ هنری این مرز و بوم دست یابند، که گزارش فعالیت هیأت مزبور در مجلات باستانشناسی درج گردیده است.

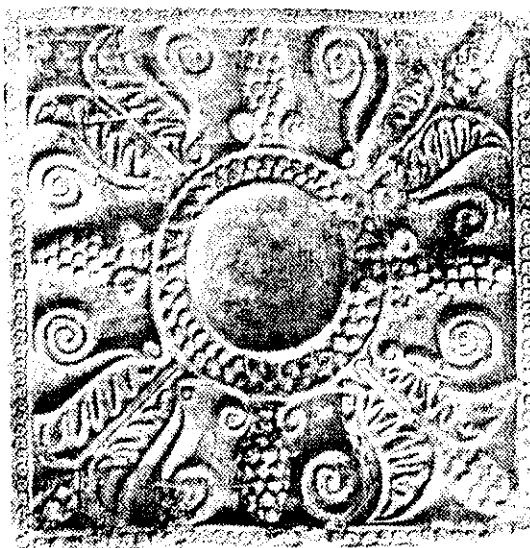
نظیر آثار بدبست آمده موزائیک در حفريات اخیر، ود ۴۰ سال پیش، توسط پرسور گریشمن در قسمت صلع جنوب شرقی کاخ بدبست آمد که آثار یافته شده، اینک در موزه ایران باستان و موزه لوور پاریس محفوظ می‌باشد. در راهرویی از کاخ که به تالار منتهی می‌شود، آثاری از تصویرنگاری دیواری و گچبری و موزائیک زیست‌بخش این قسمت بوده، که بطور قریبی، ایوان موزائیک در جبهه شرقی ساخته و پرداخته شده است.

طول هر یک از دالانهای جنبی ایوان موزائیک ۱۶/۶۵ متر است که با دور دیف طاقچه تزئین یافته اند که احتمالاً مجسمه‌های کوچک مکشوفه سطح روی آنها قرار می‌گرفته یا نصب می‌شده و طرفین طاقچه‌ها نیز دارای تزئینات گچبری می‌باشد. از باقیمانده پایه متونهای برجای مانده چنین برخی‌اید که سرستونها از نوع گرتی ۳۰ بوده که علاوه بر نقشی گیاهی، دارای رنگ سبز بوده اند و بدنه و روذیها نیز دارای رنگ قرمز نظیر آنچه که در تالار پذیرایی شاپور یافته شده می‌باشد. سقف ایوان دارای تزئینات گچبری، با اشكال هندسی و گیاهی بوده و قطعات جالب توجهی از این گچبریها ضمن عملیات حفاری بدبست آمده است. علاوه بر این تزئینات، نقش بر جسته و یا مجسمه‌هایی از شاهان



- تصویر شماره ۳۷: نقش بزرگی درون یک ظرف متأثر از طرحهای گچبری ساسانی.

- تصویر شماره ۳۸: قطمه‌ای از گچبری مربوط به کاخ بیشاپور، با طرحهای گیاهی شبیه به برگ مو و خوش‌های انگوشه و نقش هندی مارپیچ و دایره در کادر مرتع شکل (عکس از کتاب پوپ).



ساسانی، بخصوص شاپور اول، زینت بخش این رواق و درگاه است و همانطور که جلوتر اشاره شد، این مجسمه‌ها بر روی دیواریا طاقچه‌ها نصب می‌شده است (تصاویر شماره ۳۷ و ۳۸).

نقوش گیاهی عبارتنداز برگ آگانت^{۳۱}، خطوط شکسته شبیه به صلیب و شاخ و برگهایی که بیشتر به تزئینات معمول در ناحیه شرقی روم شاهت دارد.^{۳۲} در غرب تالار بزرگ که بشکل صلیب است، ایوان موزائیک قرار دارد. حیاط کاخ نیز علاوه بر پیلوس‌ها^{۳۳}، با موزائیک‌های منقوش به گل و گیاه و تصاویر زنان و فرشته‌های بالدار و ترکیباتی از خطوط هندسی تزئین شده است و دریک ردیف این نقوش بکار رفته‌اند. نمای تزئینی ایوان از سمت حیاط، با ستونهای برجسته و سر ستونهایی نظیر تخت چمشید که پایه‌های آن رنگی و زیر ستونها دارای ولوت^{۳۴} و سر ستونها گلستانی شکل‌اند، ترکیب یافته است (تصاویر شماره ۳۹ و ۴۰).

ضمن عملیاتی که در رواق غربی این ایوان انجام گرفت، آثاری از قرن پنجم هجری بدست آمده است که این مسئله مورد استفاده کاخ را پس از عصر ساسانی در این دوران نشان میدهد و بهمن عنلت، تغییرات و تعمیرات موجود را می‌توان مربوط به قرن پنجم هجری دانست، زیرا که مقدار محدودی قطعات گچبری رنگ آمیزی شده از دوران اسلامی نیز به مردمه مقداری نقش برجسته گچی روی دیوار، مؤتد این مطلب است (تصاویر شماره ۴۱ و ۴۲).

۷- آثار گچبری مکشوفه از قلعه یزد گرد
قلعه یزد گرد، یکی از آثار با اهمیت دوران ساسانی است که در چند سال اخیر کاوش‌هایی از طرف مؤسسه اونتاریو^{۳۵} تحت سرپرستی دکتر ادوارد کیل^{۳۶} در این محل بازجام رسیده است و نتیجه آن، دستیابی به قطعاتی از گچبریهای عهد اشکانی و اوایل ساسانی در این منطقه بود که برخی از آنها زینت بخش تالار مؤسسه ایران باستان اشت. مهمترین قطعات بدست آمده عبارت است از



- تصویر شماره ۳۹: طرحهای هندسی دایره و کادرهای مریع در طرحهای گاهی از حمله بالست و مارپیچ‌ها در قطعه‌ای از کاخ بیشاپور (از کتاب پوب).

- تصویر شماره ۴۰: نقش هندسی، شامل مثلث‌ها و دایره‌ها در کادرهای مدور و نقوش گیاهی در کاخ بیشاپور (از کتاب پوب).



۱- بخشی از یک متون گچی کوچک که بر رویش نقش یک حیوان که قسمتی از کمر و یا شیر را نشان میدهد و در کارаш نقش یک انسان دیده میشود.

۲- گچبری نقش یک زن که تنها قسمتی از سر و صورت آن معلوم است و سایر قسمت‌ها سایده شده است. ارتفاع این قطعه ۹ و پهنای آن نیز ۹ سانتی‌متر است. و بیشتر جنبه سمبولیک دارد و شاید سمبول میترا یا آناهیتا باشد، بعدها در آثار فلزی، این نقش با تکامل بیشتری مشاهده شده است؛ از جمله در، جامی که چند زن رقصنده بر روی آن حک شده است.

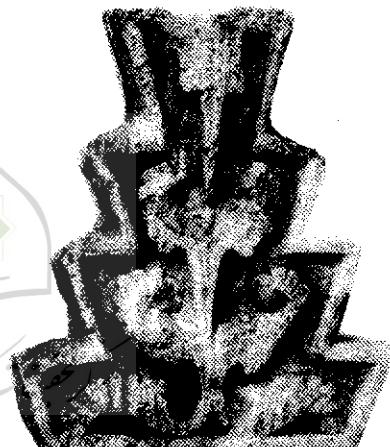
۳- قطعه دیگری از گچبری از یک زن، در

گچبری منقوش انسانی ایستاده در حالیکه دست راست او بحالات احترام بالا آمده و دست دیگر ش به بدن چسبیده و فرو افتاده است. در روی سر این شخص یک کلاه است که بصورت تیاره^{۳۷} (پوشش مخصوص اشکانی) می‌باشد و مجموع این نقش، درون یک کادر مستطیل قرار دارد و دور کادر نیز تقریباً بصورت قالبی برجسته است، با تزئینات مختلط که با رنگهای سرخ و آبی و زرد آرایش شده‌اند.

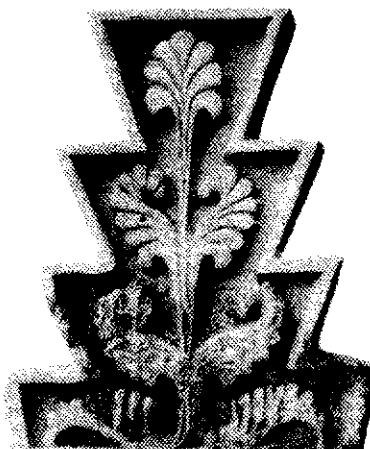
قطعات دیگر، طرحهایی از نقوش انسانی و حیوانی (بصورت اساطیری) و گیاهی است که شامل این موارد است:



- تصویر شماره ۴۱: نقش گیاهی پالمت ۵ و ۷ لبی درون کسگره، از آثار گچبری کاخ بیشاپور (از کتاب پوپ).



- تصویر شماره ۴۲: نقش گیاهی گلن آکانتوس و پالمت ۵ لبی درون دایره و نقش‌های مجرّد و دربرون پالمت و کادر مرتع شکل (از کتاب پوپ).



۶- در میان گچبری‌های مکشوفه، آثاری با نقش استیلریزه گیاهی کشف شده است که معمولاً رنگ‌آمیزی شده‌اند.

۷- قطعات دیگری با نقش گیاهی، برنگ سرخ و زرد و سبز با ارتفاع ۲۸ و پهنای ۵/۲۰ سانتی‌متر.

۸- آخرین قطعه بخشی از یک گچبری است با نقش گیاهی بطول ۲۴ و عرض ۵/۲۳ سانتی‌متر. کلیه این قطعات گچبری در حال حاضر در ویترین ۱۹ مربوط به قلعه یزد گرد در موزه ایران باستان موجود است و شاید حفريات آینده بتواند گوشه‌های دیگری از آثار گچبری عهد ساسانی را بما عرضه دارد.

قالبی لوزی شکل نظری قاب گچبری زنی در پنجه که در کاخ دامغان بذست آمده است.

۴- قطعه دیگری از یک گچبری، شامل نیم‌تنه یک مرد که منحصر بدوره ساسانی است، (همانطور که میدانیم در شرع مقدس اسلام، بعلت تحریم نقش‌های انسانی کمتر بدین نقش برخورد می‌نماییم).

۵- نمونه دیگری از یک قطعه گچبری که دارای نقش حیوان افسانه‌ای بالدار بشکل سیمرغ است.

- تصویر شماره ۴۳: نمای عمومی طاق‌بستان در باختران که دارای آثار گچاری و گچبری مربوط به عهد ساسانی است و در بالای نما گنگره‌های هخامنشی هم دیده می‌شود.



فصل سوم: تداوم و تأثیر هنر گچبری ساسانی در آثار دوران اولیه اسلام

در معماری عصر ساسانی، موتیف‌های تزئینی گچبری، نشانگر روح هنرمندان و تلفیق داستانها با نقش در بعضی از مجالس بوده است، که عیناً این خلاقیت‌های ذهنی و روحی در پرداخت جمیع موتیف‌های اسلامی نقش مؤثر داشته‌اند و چه بسا آثار مختلف معماری اسلامی به تغییراتی و رای آثار ساسانی دست یاریده و بالتفصیل توانسته اند آثارشان را با آثار ساسانی تطبیق دهند؛ بطوریکه با عرضه نمودن بنای‌های عظیم، تقلید و اقتباسشان را از هنر بومی آسیایی نشان داده‌اند. هم چنین در آثار سفالین و زرگری و فلزکاری نیز انواع موتیف‌های گچبری تأثیر داشته و با الهام از برخی از آنها، سعی شده تا حدی نفوذ نقش‌های حیوانی و گیاهی و انسانی را به بیننده محقق القاء نماید؛ نظیر آثار هنری موجود از ظروف سفالی و نقره‌ای عهد ساسانی که دارای پوزیسیون^{۳۸} و ترکیباتی از نقش

در دو فصل گذشته به نحوه پایه‌گذاری اسلوب گچبری و نقطه آغازین آن که شامل دورانهای اشکانی و ساسانی بود، اشاره کردیم. اینک در فصل سوم گفتار، که مربوط به تأثیر گذاری این فن در هنرهای اسلامی و هم چنین هنرهای ممالک دیگر می‌شود، مروری خواهیم داشت بر چگونگی جایگزینی موتیف‌ها و عناصر سازنده گچبری که بدون شک گفتگو درباره این مسئله در حقیقت ارج نهادن به مواریث فرهنگی و کاربرد اشکانی و تقوشی است که قسمت اعظم آثار هنری را دربرداشته است. در این فصل سعی شده است که بطريقی رابطه بین آثار گچبری ساسانی و دیگر آثار هنری دوران اسلامی اعم از معماری، سفال، ظروف فلزی و قالی و منسوجات در نظر گرفته شود.

تصویر شماره ۴۴: یک ستون و سرستون گچبری شده و چند قطعه برگ مو تزئینی بر روی نمای طاق‌بستان که نشان دهنده موتیف‌های تزئینی است.



تصویر شماره ۱۵: طرح پاک پارچه ابرشمی مربوط به پرنس که شش شیرو دیگر نقش گیاهی و هندسی را نشان می‌دهد.



گچبری‌ها بصورت شکار پرنده‌گان، انسانهای سوار بر اسب و یا منظره‌ای از مراسم مذهبی یا بزمی که اغلب نقش لوتوس و یا خوش‌های انگوشهای رقصندگان را نشان میدهند (تصاویر شماره ۴۳ و ۴۴).

در آثار منسوجات عهد ساسانی، از جمله آثاری که در طاق‌بستان تجسم یافته‌اند، موضوعات گوناگونی را بخصوص در روی پارچه‌های ابریشمین ملاحظه می‌نماییم که نشانه‌هایی شامل تصاویر حیوانات، صحنه‌های شکار، مخصوصاً شکارهای بهرام‌گور را بر روی خود دارند و بعدها باقی‌گان بیزانسی^{۳۹} نیز بر روی یکی از پارچه‌های ابریشمین خود، نقش دوشیر را بر روی زمینه قرمز ارائه داده‌اند^{۴۰} که در بخش مریوط به تاثیر موتیف‌ها بر روی آثار هنری بیگانه، بدانها اشاره خواهیم کرد (تصویر شماره ۴۵).

در این فصل، ابتدا به تأثیر گچبری در آثار اسلامی پرداخته و سپس تفویذ آنرا در آثار هنری ملل مختلف دنبال خواهیم نمود.

۱- تأثیر هنر گچبری در آثار هنر اسلامی:

در نیمه اول قرن هفتم میلادی، ایران یکی از بزرگترین حوادث تاریخی خود، یعنی ظهور دین مبین اسلام را شاهد بود و پس از آن نسبت به تغییر مذهب و تحط و زبانش به اقداماتی پرداخت. این حرکت و حادثه تاریخی باعث گردید که ایران به دوره باستانی و اسلامی تقسیم گردد که در میان این دوره دریک طرف حکومت ساسانی، و در طرف دیگر حکومت اسلامی قرار گرفت^{۴۱}. میدانیم که هنر ساسانی در تدامن هنرهای باستانی قبل از خود، چون هنر اشکانی و هخامنشی به تحولاتی دست یافت و در انواع مختلف هنر متكامل شد و همین نهضت باعث گردید که در دوران ظهور اسلام و بوجود آمدن دوران هنر اسلامی، متده روش آن دنبال شده و آن را با تغییراتی شرعی و عرفی چون میراثی گرانیها پذیرا باشد.

اشارة کردیم که آنچه در هنر ساسانی اهمیت داشت، ایجاد آثاری بود که از اخلاق‌آفیت و استکار هنرمندان برخوردار باشد. قسمت اعظم آثار معماری، بخصوص در ساختمان کاخ‌ها و بنای‌های عظیم و نقوش بر جسته و هم چنین ترئین هریک از آنها با روش و اسلوب فن گچبری و گچکاری و موزائیک و نقاشی انجام گرفته است و هم‌طریز با اینگونه آثار ساختمانی در فلزکاری، حکاکی روی مهرهای باقی‌گویی و قالب‌افی نیز از طرح و موتیف‌های مخصوص گچبری بهره‌گیری و استفاده شده است. البته باستی اشاره نمود که هر کدام از فعالیت‌های هنری فوق، دارای تعاریف و بررسی خاص خود می‌باشند که در این مجلل و بحث ما نمی‌گنجد و نیاز به فرستاد دیگری دارد.

بنابراین، با اندیشیدن به مفاهیم و موضوعات هنری که در کلیه آثار ساسانی رعایت شده است، در می‌یابیم که در دوران هنر اسلامی، چگونه از آن موضوعات استقبال شد و بخصوص تا آنجا که برای هنرمندان مسلمان عصر اسلامی امکان داشته است در مساجد و مدارس و حتی بنای‌های عام المنفعه، تقدیمی خود آغازانه از طرح‌های ساسانی الهام گرفته شده است تا آنجا که منجر به ابداع طرح‌های جدیدی، از جمله نقوش اسلامی و خطایی (خطای) در دوران اسلامی گردید.

هنر اسلامی بمحض کتب و تواریخ، با ظهور دین مبین اسلام متولد گشته و با تجارتی از هنرها یشین شروع به رشد و گسترش نهاده و در قرون ۸ و ۹ و ۱۰ به اوج خود رسیده است و در مجموع، تلفیقی است از روش‌هایی که در هنرها و سنت‌های شرقی و غربی وجود داشته است.

در حقیقت، پیدایش هنر اسلامی هم‌زمان بوده است با چکاچاک شمشیر و آواز سه ستوران در بیانها و بانگ بلند پروری «الله اکبر»؛ بانگ بلندی که چهارده قرن پیش، از مرزهای عربستان پاگوار گذاشته و جهانی را به لرزه ودادشت. ظهور پیامبر بزرگوار اسلام حضرت

محمد(ص) و سخنان ایشان که پیوسته همه را به برادری و برابری دعوت می‌نمود، باعث گردید که نیروی ایمانی در قلوب مردم استمدیده آن زمان بوجود آید، تا آنکه در جهان بانگ «الله‌الله و محمد رسول الله» طنین افکن شود و همین نیروی ایمان وحدت کلمه بود که در آن عصر صحرای عربستان، آناتولی، روم، سوریه، مصر، و سراسر کرانه‌های شرقی مدیترانه را در بر گرفت و ایران نیز در آن عصر از پرتواین نیروی ایمان دورنماد و بزودی با فریاد رسای نمایندگان اعزامی پیامبر از خواب غفت پیدار گشت و عاقبت در آخرین جنگ بین ایرانیان قدمی و اعراب مسلمان در سال ۶۴۲ میلادی (۲۲ هجرت) اعراب مسلمان در جنگ نهاوند، سپاهیان ارتش ساسانی را در هم پاشیدند و دروازه‌های ایران در مقابل مسلمانان گشوده شد و اسلام به سرزمین ایران وارد گشت و راه خود را تا آسیای میانه از طریق رود چیخون ادامه داده، تا سمرقند و بخارا گسترش یافت و عاقبت در سال ۷۱۰ میلادی (۹۲ هجری) پیشازان فتح اسلام به مرز هند راه یافتند.

تاریخ چکنگی گسترش دین میان اسلام پس از ظهور حضرت محمد(ص) و بحث و بررسی پیامون آن ما را از مسیر گفتار خود دورمی‌سازد، لذا بار دیگر باز می‌گیردیم به ذنباله سخن.

گفته‌یم که هنر اسلامی بیانگر سنت‌ها و روش‌هایی بود که توسط حضرت پیامبر نازل وبصورت مردمی رایج گردید و آنچه را که مردم می‌آموختند و عمل می‌کردند و حتی بر اساس آن می‌زیستند و اینک نیز حیات باقی را بر اثر آن میدانند، قرآن کریم بود. زبان قرآن که بصورت عربی بود، جهانگیر شد و خود بصورت زبانی رسمی ظاهر گشت. قرآن دارای معانی و لغات و عبارات شیرین و جذابی است که راه و روش زیستن را بهمراه داستانهای گوناگون از انبیاء و رسولان عرضه داشته است؛ این کتاب آسمانی باعث گردید تا هنرمندان، کمک تمامی معیارهای شرقی و غربی دورانهای پیشین را با تائی و

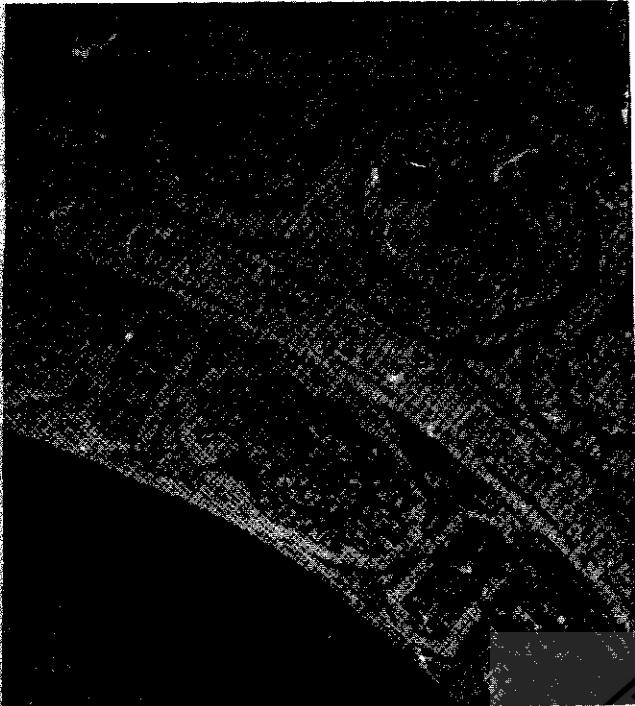
تأمل تغییر دهنده تا دور از هرگونه ریا و تزویر و استعاره باشد و حتی در فرم نقاشی، مجسمه‌سازی و یا معماری در شهرها و روستاها دست به ابتکار و خلاقیت زدند. در دوران اولیه اسلام سعی بر آن داشتند که به اقتباس از آثار ایرانیان و کلیساها نقاشی شده، بهمان سبک و ظروف شیشه‌ای و سفالهای نقاشی شده، بهمان سبک و سیاق پردازند و حتی مساجدی را که بر پا می‌کردند، خالی از تزئینات و ترکیبات معماري آن دوران نبود و چون حکومت اسلام بر سرتاسر گیتی نفوذ یافت، کمک پس از طی چند قرن، هنر هنرمندان در هر رشته‌ای با هم پیوند خورد و در زیر فرمان اسلام مبدل به شیوه‌هایی شد که امروز به نام هنر اسلامی شناخته می‌شود.

تا اینجا منشاء هنر اسلامی در ایران مشخص گردید و در آثار اسلامی خارج از ایران نیز آنچه که محرز است، شیوع و انتقال هنرهای بومی به ممالک اسلامی بوده است و نتیجه آن ایجاد آثار مختلف و متنوع هنری می‌باشد که به لحاظ تطابقی که حکومت اسلامی در ایران و حکومت اسلامی در خارج از ایران داشته است و در نتیجه از نظر اسلوب و روش کارنیز دارای فرمولهای تزئینی در ایران بوده است، لذا ناگزیریم این بخش از گفتار را با دو قسمت زیر دنبال بنماییم:

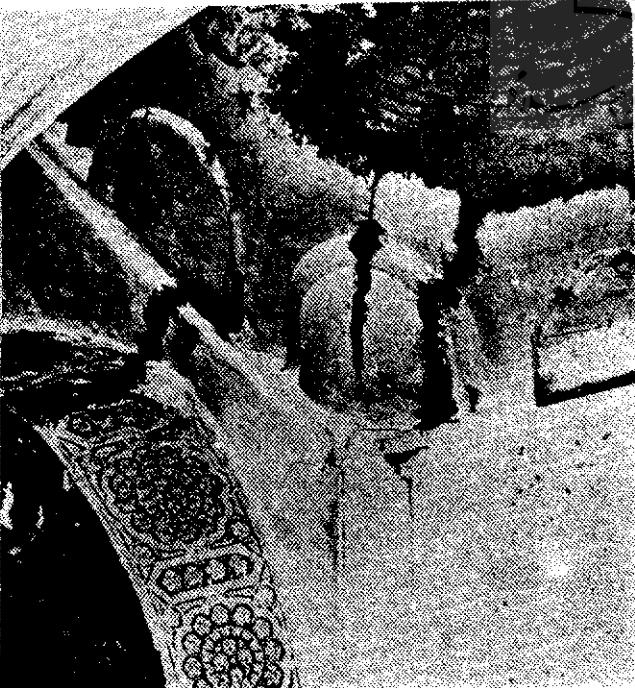
الف: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی داخل ایران
ب: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی خارج از ایران

الف: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی داخل ایران

در فصل گذشته، هنرگامیکه درباره موتیف‌ها و نقش‌های گچبری صحبت می‌کردیم، در ادامه بحث اشاره‌ای داشتیم به موتیف‌های انسانی و دانستیم که این نوع نقش‌ها گذشته از تعداد کمی که بر روی دیوارها نقش شده بود، تعدادی هم بصورت مجسمه‌های عظیم و گاهی نیم تنه ساخته شده که آنها را بصورت نصب بر روی دیوار یا قرار دادن داخل طاقچه‌ها مورد استفاده قرار میداده‌اند. اما در اواخر دوران ساسانی و با به روی



- تصویر شماره ۴۶: نقش هندسی و گیاهی زیر قوس تزیین محراب مسجد
جمعه نائین بهمنه کتبه کوچک مسجد پیغمبر می خورد.



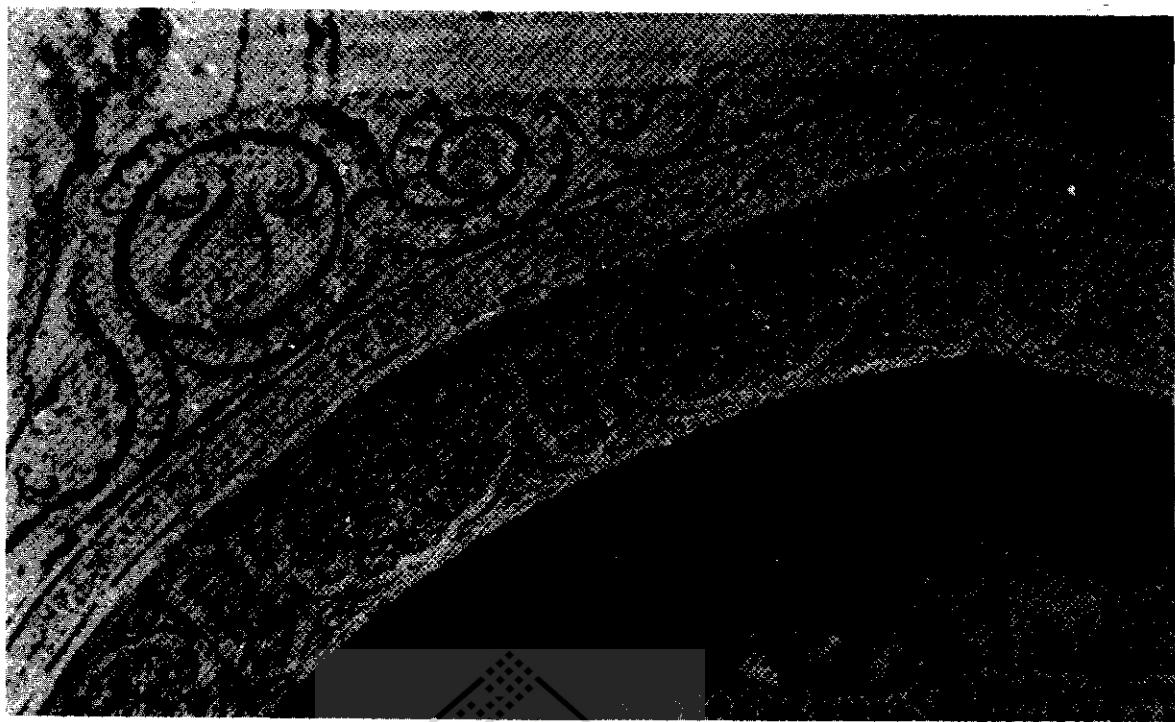
کار آمدن آئین اسلام، تندیس سازی کمتر مورد توجه قرار گرفت و دیگر از نقوش بر جسته و یا مجسمه های عظیم در آغاز این دوران اثری بچشم نمی خورد. تنها در میان نقوش حیوانی و انسانی که در دوران اسلام بیشتر جلب توجه می نماید، نقوش طراحی شده بر روی ظروف فلزی است که با الهام از نقوش حجتی ها در طاق بستان بکار گرفته شده است.

با تعلیق که هنر گچبری در دوران اسلامی یافت، کم کم متوفی های سیمرغ، برگهای مو و گل و بوته و علاوه بر آنها، نقوش اسلامی و خاتیای در آثار موردن استفاده واقع شد. نمونه این طرحها را در کاخ عمان، قصر المشتی^{۴۲} و کاخ سامرای^{۴۳} در «هنرهای اسلامی در سرزمین های بیگانه» توضیح خواهیم داد.

استوک - استوک^{۴۴} بمعنی قطعه ای از گچبری با طرحهای مختلف است، از آثار دوران هنر اسلامی، اول بار، ده قطعه از آن در نظام آباد تهران و در شوش بدست آمد که در حال حاضر در موزه لوور پاریس قرار دارد.

آثار معماری - معروفترین اثر دوران اولیه اسلامی که دارای قطعات بی نظیری از گچبری می باشد، مسجد جامع نائین است که صرف نظر از پلان و فرم و مصالح در تزئینات آن، از روش های ماسانی استفاده شده است. در این مسجد مجموعاً سه گروه متوفی بصورت هندسی، گیاهی و خط و کتیبه در لابای کارهای هنری بچشم می خورد. جالبترین قسمت مسجد، محراب گچبری شده آنست که در قالب های مختلف بر روی آن کار شده است. این محراب دارای سه طاق نیمات و از تزئینات گچی فراوان برخوردار می باشد که بیشتر آنها شامل طرحهای گیاهی از جمله پالمت، نقش کاجی شکل و برگهای کنگر است، و در داخل محراب کتیبه ایست مزین که با گلها و دواير تزئینی معمول در دوره ساسانی

- تصویر شماره ۴۷: کتبه گچبری و نقش هندسی و گیاهی قسمت چپ در زیر قوس محراب جمعه نائین.



است که شامل رنگهای سفید، زرد، آبی و قرمز است و بصورت طرحهای زیبای طوماری و برگ نخلی است که بعضی از آنها درون شکل‌های چهارگوش یا شش‌گوش، مانند اشکال تریثینات سامره، قرار دارد.

گچبریهای کاخ نیشابور آثار جالب توجهی را درباره بقای اسلوب ترسیم اشکال حیوانی در صنایع اسلامی آشکار می‌سازد و گاهی در برخی از قسمت‌ها، شکل سر پرنده دیده می‌شود که برگ نخلی را به مقنار دارد که شیوه این طرح عیناً در ظروف نقره دوران ساسانی بکار میرفته است. روبان‌های تریثینی، بصورت مثلث و گل نیلوفر آبی و پرندگان و نخل همانند کاخ سامره در این کاخ بکار رفته است.

گچبریهای کاخ نیشابور، از لحاظ اسلوب و روش با گچبریهای سامره و مسجد جامع نائین قابل مقایسه می‌باشد و شاید حلقه ارتباطی بین زمان حکومت بنی عباس و اسلوب دوره سلجوقیان در ایران باشد^{۴۴} که

آرایش داده شده است و نهایت ظرافت هنری در آنها بچشم می‌خورد. علاوه بر طرحهای مذکور، از ترکیبات گل لوتوس و خوشه‌های انگور و برگ مو، بهترین نمونه تریثین را می‌توان مشاهده کرد. در مجموع، محراب مسجد نمونه کاملی از متوفی‌های گچبری متأثر از طرحهای ساسانی در دوران اولیه اسلامی است (تصاویر شماره ۴۶ و ۴۷). گذشته از مسجد جامع نائین، می‌توانیم از کاخ نیشابور در خراسان نیز یاد کنیم که آثاری از هنر گچبری را در قرن نهم و دهم نشان میدهد. در چند سال اخیر از طرف مؤوزه متروپولیتن حفریاتی در این کاخ انجام گرفته و منتج به کشف گچبری‌هایی چند گردیده است.^{۴۵} کاملترین قسمت‌های گچبری در قسمتی از کاخ بنام ابنیه سبز پوشان است که شامل مقربنس‌های دیواری است و در قسمت جنوب غربی صحن حیاط وتالار گنبددار مجاور آن قرار دارد. کامل کننده این نوع گچبریها، رنگهایی است که بر روی آنها نقش بسته

بررسی دانشگاه اورینتال^{۴۸} لندن در سال ۱۹۷۲ بدست آمده است. قطعاتی از طروف سفال که دارای نقش‌های استامپی^{۴۹} می‌باشند، نشانگر متوفی‌های عهد ساسانی و حتی متوفی‌های متداول عصر هخامنشی بوده است که شامل طرح روزت و شیارهای قاسقی، شبیه به شیارهای روی ستونها و نقوش زنجیره‌ای دوره ساسانی است.

پیدایش این نوع سفالها در پی غوییرا، پدیده بسیار تازه و کم نظری بود که می‌بایست مرکز ساخت آنها را در غوییرا پیدا نمود، با بررسی هایی که متعاقباً انجام گردید، ادامه این سفالهای دار سبزواران جیرفت، در جاییکه بنام شهر باستانی دیانوس خوانده می‌شد، در حاشیه هریرود، بدست آمده، شهری که به گواهی تاریخ در دامه کوهایش، اولین کوره ذوب فلز در هزاره اول، مایحتاج این منطقه را تأمین می‌کرده است. این شهر هم اکنون تال خاکی بیش نیست و بر جستگی‌های متعددی در آن بچشم می‌خورد که دریایی از سفالهای فوق الذکر را در سینه خود نگهداشته است. معروفترین قطعه سفال منقوشی که در شهر دیانوس بدست آمده، قطعه‌ای است که طرحی از شیرها را بر روی خود دارد و نمونه ایست مهم از طرح روی کارهای فلزی و جواهری عصر هخامنشی، که نمونه‌های مختلف آنرا بصورت پلاکهای تزئینی که در حاشیه آستین‌ها و دامن لباس وصل می‌شده است، می‌توان یافته و اینک زینت بخش موزه ایران باستان و موزه‌های خارج از کشور می‌باشد.

در قطعه دیگر از سفال دیانوس، تصویر انواع گنگر و چند متوفی دیگر است و هم چنین طرحهای زنجیره‌ای متاثر از گچبری عهد ساسانی را نشان میدهد. نمونه طرح اخیر را بر روی آثار تپه حصار دامغان و طاقچه‌های کاخ چال ترخان ری نیز خواهیم دید و در آثار ماقبل تاریخ ایران نیز تنها یک نمونه بر روی قطعه سفالی است که متعلق به قرن نهم قبل از میلاد است و در تپه حسنلو در آذربایجان بدست آمده است و نیز آثاری از سنگ مرمر

بعدها در بسیاری از آثار و آبنیه قرن دوازدهم، نظیر مسجد جامع قزوین و مسجد جامع اردستان تأثیر گذاشته است. در دوران اسلامی، گذشته از ترتیب مساجد و مدارس، برای تزئین عمارت و کاخ اشرف نیز از طرحهای گچبری استفاده شده است و این روش تا دوران مغول نیز رواج داشت و به اوچ خود رسید و حتی در آثار دوران بعد از مغول نیز تأثیر گذارد و آنچه از دوران حکومت مغول بصورت ابینه تاریخی مشمول طرحهای گچبری شده است، مسجد حیدریه، گنبد علیان، محراب مسجد جامع اصفهان، محراب مسجد الحاتیودر بسطام (که تصاویر این مساجد جلوتر آمده است) وغیره را می‌توان نام برد و این تطور هنری بعدها در دوره تیموریان نصیح گرفت و در دوران صفویان، در آذین بندی کاخ‌ها و عمارت‌ها و مساجد به پیشروی ادامه داد و کم کم از این دوره بعد در منازل اعیان بهمراه آینه‌کاری‌های جالب بکار گرفته شد و حتی تا اندکی پس از قاجار، در ایران گچبری تأثیرگذاری یافته و کم کم راه افول را پیمود.

سفال – همانطور که در صفحات قبل اشاره گردید، هنر گچبری نه تنها در آثار معماری، بلکه در هنرهای اسلامی، پیوسته در هر نوع کار هنری دیگر تأثیر داشته است. در مورد استوک، معماری، فلزکاری و تائیری که طرح‌های گچبری بر رویشان داشته است سخن گفتم و حال ضرورت دارد قبل از سخن گفتن درباره آثار گچبری در هنرهای بیگانه، در مورد نقش گچبری بر روی سفال، در دوران اولیه اسلامی نیز اشاره‌ای داشته باشیم (تصاویر شماره ۴۸ و ۴۹).

در این زمینه، معروفترین آثار سفالی مربوط به عهد سلجوقیان است که بار دیگر رجعتی به گچبری با خطوط کوفی تزئینی و بشایی می‌باشد. از این عهد طروف سفالی بسیاری برجای مانده است که بیشتر آنها در موزه ایران باستان موجود است، اما قدیمی ترین ظرف سفالی دوران سلجوقی متاثر از نقش گچبری ظرفی است که در حفريات غوییرا^{۵۰} در شهر کرمان، توسط هیئت

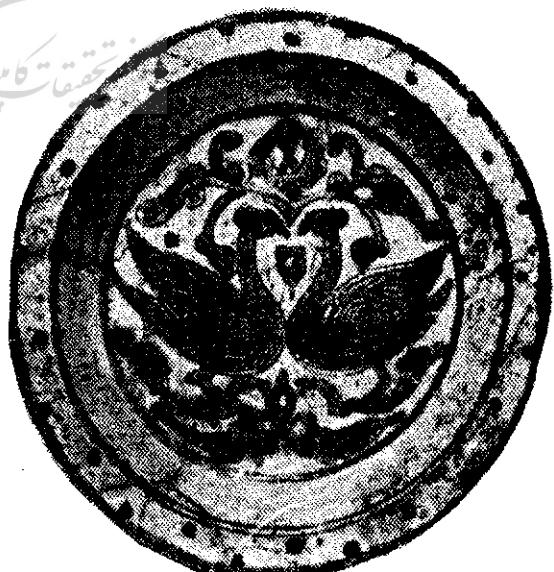
بصورت سرستون و ته ستون در تخت سلیمان آذربایجان کشف شده، که تا حدودی تزئینات روی آنها شباهت به نقش گچبری دارد (تصاویر شماره ۵۰ و ۵۱). در شهر همدان نیز بنایی است با نام مسجد علویان که متعلق به قرن ششم هجری قمری و همزمان با دوران سلوجویان است. این بنا مهمترین اثر تاریخی همدان بشمار می‌رود. نمای خارجی مسجد در دو طرف (تصویر شماره ۵۳ و ۵۴) دارای طاق‌نمایهایی است که تزئینات آنرا اشکال هندسی لوزی شکل بزرگ و کوچک در لا بلای آجرکاریهای ظریف تشکیل میدهند و در پیشانی در ورودی نیز بقایای کتیبه‌ایست زیبا بخط کوفی برجسته و پس از آن گل و بوته‌هایی است که با طرحهای گچبری فا بالای دیواره‌های خارجی و ستونهای جانی، چلوخان مسجد را زینت بخشیده‌اند. بر روی قطعه سنگی که اخیراً در اطراف طاق‌بستان باختران بدست آمده، طرحهایی از نقش انسانی و گیاهی را ملاحظه می‌نماییم (تصویر شماره ۵۵). در مدرسه شمسیه یا بقیعه سیدشمس الدین در بیزد که از آثاری ارزش قرن پنجم نیز بشمار می‌رود، تزئینات گچبری را بصورت طرحهای گیاهی و هندسی (دایره‌های منظم) مشاهده می‌کنیم (تصاویر شماره ۵۶ و ۵۷).

ب: تأثیر هنر گچبری در آثار اسلامی خارج از ایران

بطوریکه در مقدمه این فصل اشاره گردید، آثار هنری ساسانی گذشته از شکوفایی و تقویی که در داخل ایران پدید آورده‌اند، دامنه گسترش آنها نیز از مرزهای ایران فراتر رفت و بدبانی روی کارآمدن دوران هنر اسلامی، تابع سنن و روش‌های جدید و خاص گردید، تا آنجا که بهمراه تأثیرگذاری، تغییراتی کلی نیز بخود گرفت؛ خاصه آنکه در دوران‌های اولیه اسلامی روش‌های جدید و جالبی در زمینه کارهای تزئینی بجزیان افاد و بهمراه این تغییر و تحول در داخل ایران، در خارج از مرزهای فعلی ایران نیز رسوخ پیدا نمود که در حال حاضر

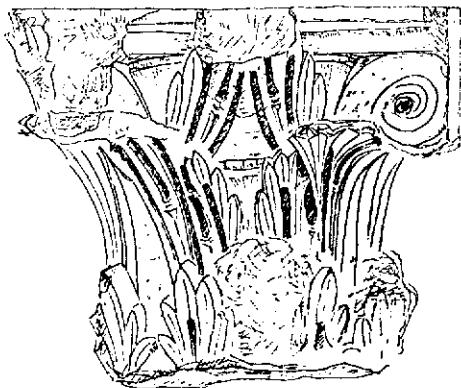


- تصویر شماره ۴۸: ظرف سفالی منسوب به قرن پنجم هجری که نقش عقابی را درون دائیه نشان می‌دهد که متأثر از طرح گچبری است.



- تصویر شماره ۴۹: قلچ سفالی منسوب به قرن پنجم هجری که یک جفت مرغابی را در طرفین یک درخت نشان می‌دهد.

- تقدیر شماره ۵۱ و ۵۰: مرحومان گیوه‌بندی بر روی آثار سنگی در مقبره سلمان آنودیان.

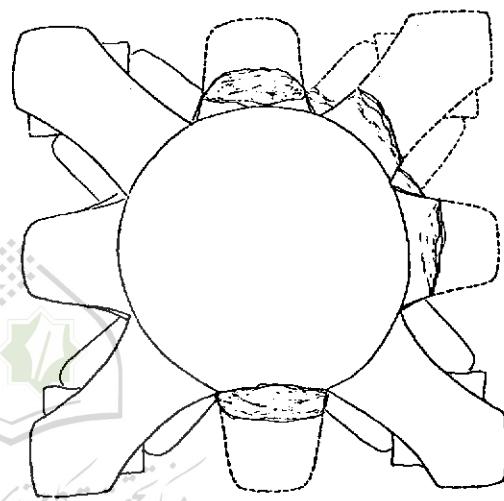


طرح قطعه بازسازی شده

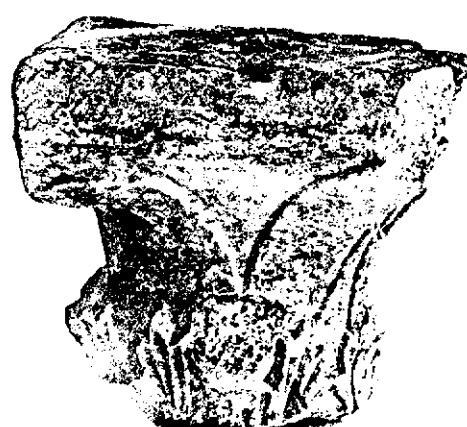
قطعه سنگ مرمرین بدست آمده



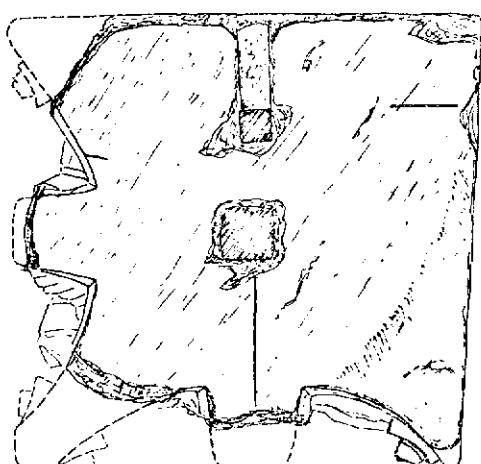
اصل سنگ مرمرین بدست آمده



طرح بازسازی شده



اصل سنگ مرمر مکشوفه



طرح بازسازی شده آن.

در دوره امویان

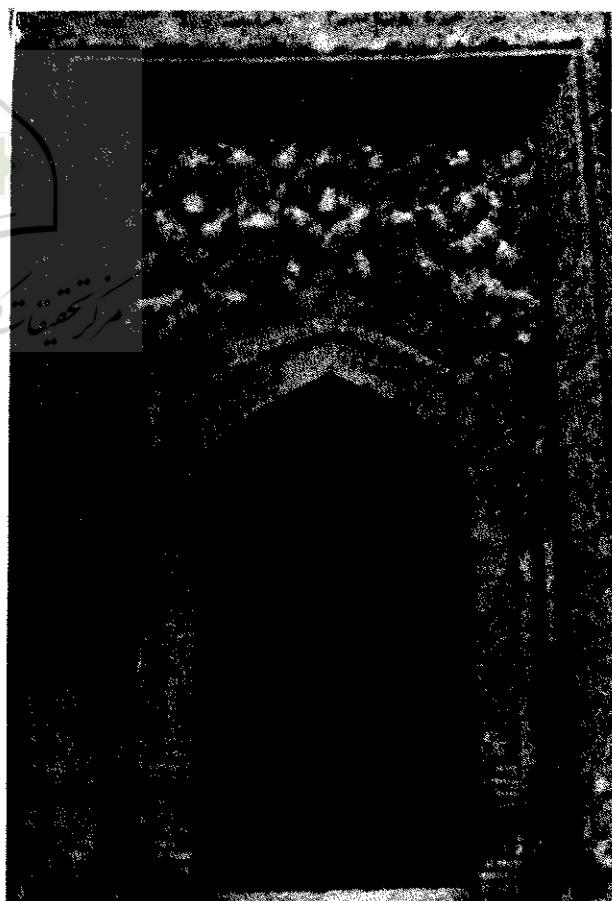
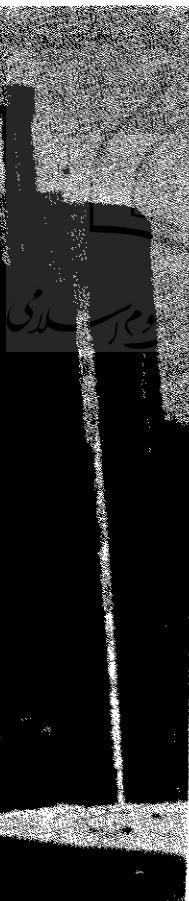
در این عهد، ایجاد بنا بصورت مساجد بزرگ مورد توجه قرار داشته و آثاری چون قبّة الصخره، مسجد الاصفیٰ^۱، مسجد بزرگ دمشق^{۵۲} بنا نهاده شد و در کنار اینگونه بناها به ساختن بعضی از کاخها و قلعه‌ها همت گماردند که هنوز قسمت‌هایی از اینگونه آثار باقی مانده است. عمدۀ آثار کاخ و قلعه در سوریه و مواراء النهر، اردن و فلسطین قرار دارد. در عهد امویان، ساختمان مسجد کوفه، شهادتگاه مولای مستقیمان علی این ایطالب^(ع) مرمت و تجدید بنا گردید.

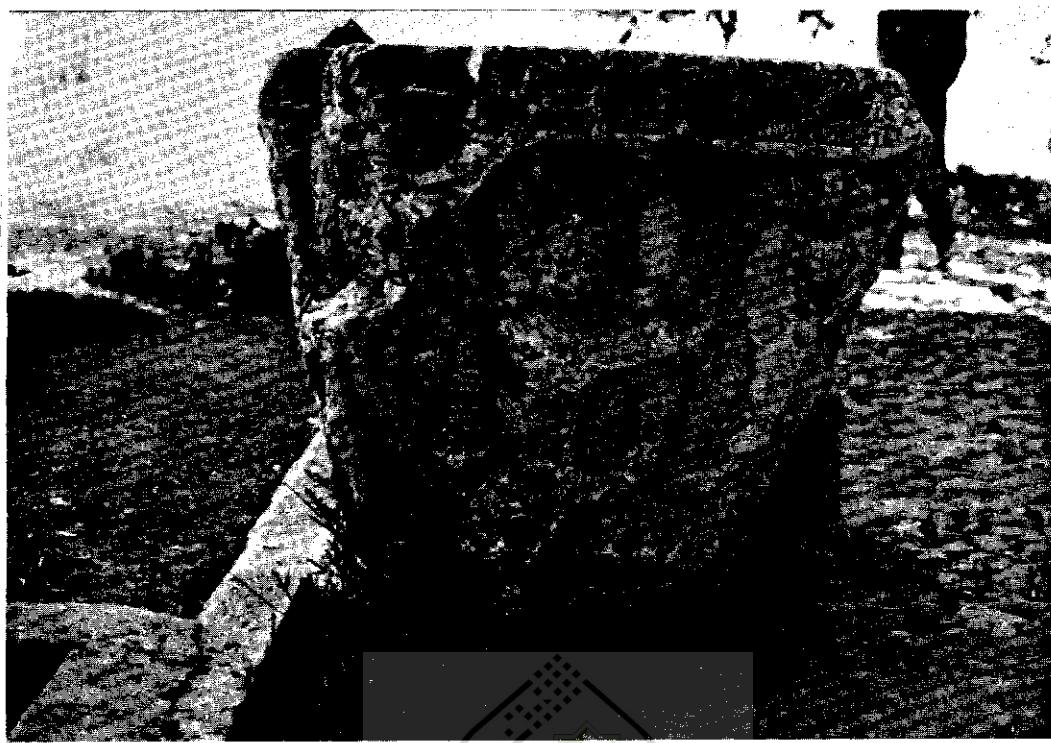
توضیح بیشتر درباره نحوه معماری و ساختمان‌سازی

- تصویر شماره ۵۴: سردر و جلوخان ورودی مسجد علویان در همدان.

بسیاری از اینگونه آثار متأثر از هنرهای ساسانی و اسلامی را در ممالک عربی مشاهده می‌کنیم. بطور کلی با مشاهده تاریخ هنر اسلامی در می‌یابیم که تأثیر المانها^{۵۰} و موتیف‌های گچبری عهد ساسانی بیشتر بر روی آثار هنری عهد اموی و عباسی بچشم می‌خورد^{۴۱} و از این دو سلسله آثار جالبی بر جای مانده که نشانگر شواهدی ارزنده از ایده و افکار هنرمندان پیرو مکتب هنری اسلام و ساسانیان می‌باشد. برای نمونه در ذیل به چند اثر معماری از دوران‌های اموی و عباسی می‌پردازیم. (تصاویر شماره ۵۸ و ۵۹ نمونه‌ای از طرح گچبری را بر روی سرستونهای کاخهای عباسی نشان میدهد)

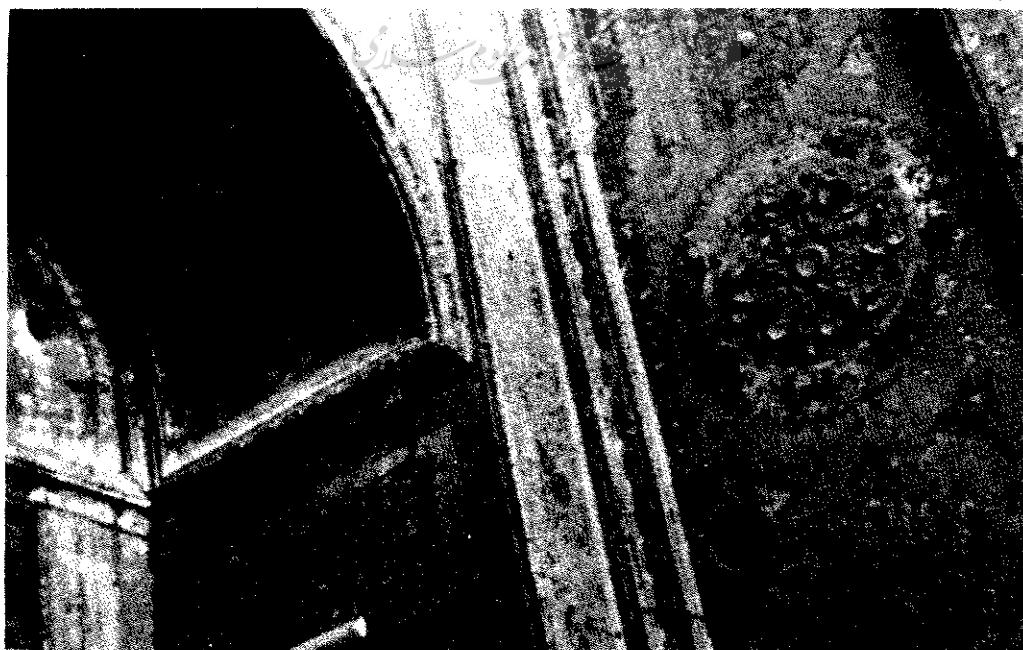
- تصویر شماره ۵۳: جزئیات گچبری و کتبه دور سردر و جلوخان ورودی معبد علویان.





تصویر شماره ۵۵: سرستون بدست آمده در طاق بستان، که مربوط به آثار دوران ساسانی است و بر آن نقش یکی از شاهان ساسانی نقش بسته و در فضاهای دیگر آن تزئینات گچبری مشهود است.

تصویر شماره ۵۶



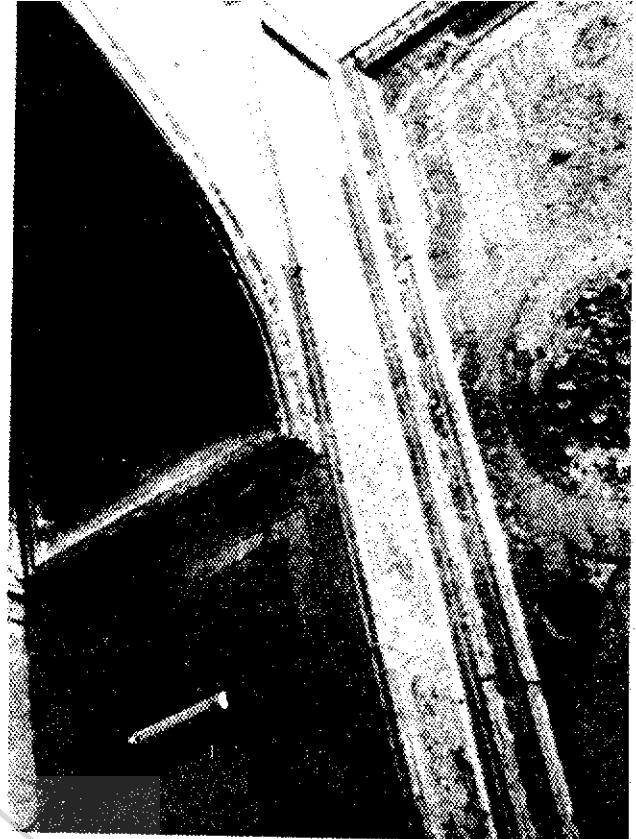
فواصل، گالریها (غرفه‌ها) و راهروهایی است که مجموعه کاخ را تشکیل میدهد و بالاخره تزئینات گچبری داخلی و خارجی کاخ.

نمای کاخ عمان که با طاق نماهایی رویهم قرار گرفته و گچ کاریهای دندانه دار و کندکاریهای گیاهی و برگهای استیلیزه به آنها زینت بخشیده‌اند، از نظر فرم شbahت زیبادی به طاق کسری یا ایوان مذاین در تیسفون^{۵۳} و گچبریهای کاخ فیروآباد^{۵۴} و نیز کاخ بیشاپور و حجتاریهای طاق‌بستان^{۵۵} دارد و برخی از موتیف‌ها، نمایانگر نقوش روی ظروف و قطعات فلزی عهد ساسانی می‌باشد.

بنای دیگر این عهد عمارت قصرالمشتی^{۵۶} است.

این کاخ دارای یک حیاط داخلی مریع شکل بوده و در مدخل آن، سه جفت ستون پیوسته قوسهای عرضی را نگهداشته‌اند و در مقابل آن سمت جنوب عمارت، تالار جلوس واقع شده که دارای سقف گنبدی است که به ایوان بزرگ سه دهنه متصل شده است.^{۵۷} در این کاخ از گچ بعنوان عامل تزئین و ملات ساختمان و در کف اطاها و قصر از پوشش موzaïek بهره گرفته‌اند.

تزئینات کاخ المشتی شامل حجتاری و کندکاری روی نمای کاخ است. این تزئینات از پایه تا نیمة دیوار کشیده شده است و در میانه دیوار، نقش گچبری بصورت مثلثی که گل نیلوفریا لوتوس را در میان دارد، ظاهر می‌شود و کناره آن نیز مزین به نقش گیاهی است که شامل شاخ و برگهای مو و خوشه‌های انگور می‌شوند. در موتیف‌های گچبری می‌توانیم شاخه‌های پر پیچ مو را مشاهده کنیم. نقش حیوانی نیز در این گچبریها به شمش می‌خورد که از جمله اژدها با دم طاووس و یا سیمیرغ را باید نام برد که نظیر آنها در گچبریهای طاق‌بستان، زینت‌بخش ردای شاه ساسانی است. نقشی از گل و گیاه پالم را در حواشی تزئینات بکار گرفته‌اند که یک نمونه آن عبارت از قطعه گل گچبری شده‌ایست با دارا بودن شباهت بسیار زیاد به گل‌های گچبری شده



- تصویر شماره ۵۷: در و تصویر فوق تزئینات گچبری را در بقعه را مدرسه سید شمس الدین در زید ملاحظه می‌نماییم.

در عهد امویان ممکنست ما را از بحث اصلی خود دور سازد، لذا در اینجا لازم است به تشرییع موتیف‌هایی که در آثار معماري عهد اموی مورخ استفاده قرار داشته بپردازیم. مسجد کوفه نقطه آغازین تحرك و تحول هنر اموی است و در آغاز حکومت همین سلسه، تجدید بنا گردیده است و شگفت آنکه المانهای معماري و موتیف‌های گچبری بکار برده شده در این مسجد، بسبک معماري اسلامی در ایران است که تحت تأثیر واقع شده و آمیزه‌ای از هنر معماري اسلامی و هنر گچبری ساسانی را ارائه میدهد.

بنای معتبر دیگری که می‌توان به لحاظ تزئینات زیبای گچبری معرفی نمود، کاخ عمان در شمال اردن است که مشخصات هنری آن بدین شرح است: یک حیاط چهارگوش در وسط، تالارها و اطاها در اطراف حیاط و در پشت آنها طاق نماهایی یا قوس جناقی و در



تصویر شماره ۵۸: نمونه‌ای از سرستون مرمرین در آثار معماری کاخ‌های عهد عباسی که تحت تأثیر هنر گچبری مasanی بوده است (کاخ المختصم).

- تصویر شماره ۵۹: سرستون مرمری عصر عباسی در کاخ المتكله که دارای نقش گچبری مasanی است.



۲- تأثیر هنر گچبری ساسانی در آثار هنری بیگانه

با برخوداری از امکاناتی که هنرمندان عهد ساسانی در طرح و اجرای موتیف‌های گچبری در اختیار داشته‌اند، گذشته از نفوذی که در آثار هنری اسلام، خاصه در انواعی از هنر آن عهد که در قسمتی از این فصل بدانها اشاره شد، در بعضی از آثار هنر غربی نیز تأثیراتی را باعث گشته‌اند و بی‌شک می‌توان در پیرامون آن آثار نمونه‌هایی از بذلت های عهد ساسانی را ملاحظه نمود. در مجموعه‌هایی که از آثار هنری در کشورهای اروپایی و آسیایی و آسیای غربی باقیمانده است، درخشش اینگونه طرحها بخوبی بچشم می‌خورد.

در میان اینگونه آثار، نمونه‌هایی از طرحهای حجاری و نقوش برجسته را می‌توان یافت که شbahat تام به آثار ساسانیان دارد و این امر سبب گردید تا ابتكار استفاده از سنگ شفاف و شیشه نیز در تداوم هنرهای سنگی صورت پذیرد. این ماده که از زمانهای پیشین مورد توجه هنرمندان قرار داشته، در عهد ساسانیان نیز جالب توجه بوده است و بعدها در صنعت شیشه‌گری اسلامی چانشین سنتگاهی شفاف گشت.

معروف‌ترین کار هنری روی سنگ شفاف، جام زرینی است که در خزینه سن دنی^{۵۸} بدست آمده و اینک در موزه لور^{۵۹} پاریس محفوظ است. فرم این جام دارای طرحی از یک پادشاه ساسانی در حال نشسته است، در حالیکه تخت او را اسیان بالدار نگهداشته‌اند. در شهر ونیز یک بشقاب دوری شکل در گنجینه سن مارک^{۶۰} وجود دارد که در آن تزئینات عهد ساسانی رعایت شده است و نیز یک فنجان با تزئین گل وجود دارد که طرحهایی از هنرمندان ایرانی را مجسم ساخته است.

بهمین ترتیب در آثار تزئینات معماري هم از طرحهای گچبری بهره گرفته شده است. گذشته از آن، در موزه‌ها و یا کلکسیونهای خصوصی جهان، آثاری از

ترئینی در کاخ تیسفون و نظیر این نقش نیز در یک پلاک گچی کاخ بیشاپور دیده شده است.

پالمت‌های روی این گچبریها بصورت پنج لبی و هفت لبی نیز دیده شده‌اند.

آخرین بنایی را که می‌توانیم بعنوان مثال بارز در این قسمت بیاد کنیم، کاخ الم توکلیه است که هنوز پابرجاست. اطاقهای اصلی کاخ و خانه‌های مسکونی اطراف آن، بصورت گچبری و قابسازی ترئین شده است، که گاه در برخی از اطاق‌ها رف‌هایی در بالای قاب افزوده‌اند. دهانه درگاهها و پنجره‌ها بهمین نحو ترئین شده است. تزئینات کاخ بسیار ساده و بیشتر از ترکیبات طرحهای هندسی بصورت خطوط مستقیم تشکیل یافته‌اند و در بعضی از آنها بصورتی نفیس تر بچشم می‌خورند. در میانه شکل‌های هندسی، گاهی از نقش گیاهی گل بهره گرفته شده که بوسیله نوارها یا رشته‌های مرورید بهم پیوسته‌اند. نقش خوش‌های انگور با شاخ و برگ مودرهم پیچیده، نظری تزئینات ساسانی، در این کاخ دیده می‌شود. علاوه بر اینها در گچبری دیواری و روی سقف‌های کاخ، گاهی تصویر نگاره یا نقاشی‌هایی از صورت‌های حیوانی و انسانی نقش بسته است که تا حدی نحوه ترسیم هنرمندان ساسانی را القاء می‌نماید.

در کاوشهای سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ در این کاخ یک قطعه گچبری منقوش بدست آمد که در این قطعه، ارد کی را در حالیکه اردک دیگری را در پشت دارد، نشان میدهد و در قطعه دیگری نقش زنی دیده می‌شود که از دو وجهت اقتباس از کارهای ساسانی است، یکی آنکه شیرین را نشان میدهد که گوساله‌ای را بدوش گرفته و افسانه معروف شیرین و فرهاد را بازگو می‌کند و دوم آنکه نقش این شخصیت و تزئین لباس و رنگ آمیزی آن، بطور واضح نشانه بارزی از سبک ساسانی را جلوه‌گر ساخته است.

- تصویر شماره ۱۶: نقش شیری در کارهای پروردگاری از مسروقات عهد مسامی، که ترتیبات و تقویت هنری داروهای خود و تغییر طرحهای دیگر گاهی اطراف آنرا برگزده است.



قدرت و استحکامی که هنر ساسانی از خود بروزداد باعث گردید تا با نیزه‌مندی کامل، تاثیر خود را به نقاط خارج از ایران برساند و همانا در بقای این هنر در ممالک اروپایی نیز مفید بود و دامنه اش از چین تا افغانوس اطلس نیز میرسید، تا آنکه در مغرب زمین نفوذ کامل خود را در هنر قرون وسطی بر جای نهاد.

با کلیسیای سن ژرمین یا ژرمینی دره^{۶۱} نزدیک ارلنان^{۶۲} می‌توانیم طرحی از آتشگاههای ساسانی را دریابیم. دیوارهای این آتشگاهها با گچبریهای جالبی تزئین شده‌اند و در برخی از متوفی‌ها، تصاویری از درخت زندگی بگونه‌ای که در حجاریهای طاق‌بستان وجود دارد، به‌چشم می‌خورد.

مقبره راهبه اگیلبرتا^{۶۳} که در سال ۶۶۵ میلادی وفات یافته است و در سردارب کلیسای ژرار^{۶۴} بین پاریس و شاتو-نیزی^{۶۵} مدفون است، نموداری از گچبری و اندودی از گچ را بسما عرضه میدارد. اشاره کردیم که در آغاز تاریخ مسیحی، هنرمندان گرایش به انجام سنت‌های ایرانی داشتند؛ خاصه آنکه، در وهله اول نسبت به مغان و بزرگان دین نیز نظر مساعد داشتند و در این اندیشه با توجه به وضعیت دینی و نقوش بر جسته‌ای که از اهورامزدا و شاه در ایران‌داریم، آنان نیز در پرستش مغ‌های خود ابراز وجود نموده‌اند و شاه که در ایران مظہر و نماینده اهورامزدا در روی زمین بوده است، چهره‌اش بعنوان سرمشق هنرمندان بیزانس، برای تجسس چهره مسیح مورد توجه قرار گرفته است. در نقوش بر جسته و گچبریهای کلیساها ای فرانسه، چهره مسیح را مجسم ساخته‌اند، در حالیکه در اطرافش فرشتگان و حواریون و پیامبران و نویسندهای آنچه انجیل قرار گرفته‌اند. مسیح را در حالیکه انگشت سبابه اش خم شده است، نقش کرده‌اند، که درست شباهت به یکی از سنت‌های قدیمی ایرانیان در عهد ساسانی دارد. موضوعات کنده‌کاری نیز در اروپای مرکزی مورد توجه و تقلیل واقع شده‌اند. مشهورترین این کنده‌کاریها، کوزه، زرینی است مربوط به

کنده‌کاریهای گچی وجود دارد که غالباً این آثار دارای خط پهلوی بوده و گاه همراه با نقوش جانوران و گیاهان از جمله گل، تظاهر یافته‌اند.

اصلوً بسبب موضوع سوق الجیشی که ایران اسلامی در گذشته‌های دور داشته و تقریباً پلی بین اروپا و آسیا بوده است و لذا بصورت صادرات و واردات، هنرمندان، انواع هنر را نیز به کشورهای دیگر صادر و تا حدودی برخی ایمانها را در هنر خود وارد کرده‌اند. و دلیل اصلی این امر، برخورداری از نزدیکی با جاده ابریشم، و تربیت کرم ابریشم و صدور ابریشم به کشورهای دیگر بوده است و پادشاهان ساسانی که مایل بودند این نوع از منسوجات را در ایران توسعه دهند، با اعزام هنرمندان نساج به کشورهای دیگر و از جمله سوریه و آوردن هنرمندان آن سامان، رابطه‌ای را برقرار نمودند. بنابراین از نقطه نظر بافتگی ابریشم و فرش نیز باعث شدن که طرح‌های ایرانی را در کشورهای دیگر رواج دهد. موتیف‌هایی که در حجاری و از جمله در حجاریهای طاق‌بستان رعایت شده است، الگویی است بر معرفی نقش روی منسوجات عهد ساسانی و بهمین شکل موضوعاتی که در گچبری و یا کنده‌کاری استفاده شده بود، در روی ابریشم نیز کاربرد پیدا نمود و تجسم داده شد (تصویر شماره ۶۰).

در هزاره اول تاریخ مسیحی، گرایشی نسبت به هنر سنت‌های ایران بوجود آمد و آن عبارت از تجارت تابلوها و دیگر آثار هنری بود که از شرق به غرب وارد می‌شد و این امر سبب گردید تا ابریشم نیز برای پوشش اجسام فردیسان، بهمانگونه که در ایران اسلامی نیز رسم گردید و تا کنون ادامه یافته، بکار رود. و همینطور کلیساها ای اروپا با خرید آثاری از دوره ساسانی و اقتیاس از آنها گرایش خود را نسبت به سنت‌های ایرانی بخوبی جلوه‌گر ساختند. (تصویر شماره ۶۱ نشانگر طرح‌های گچبری ساسانی بر روی یک سرستون سنگی از اسپانیا می‌باشد)

گنجینه آنیلا^{۶۶} منسوب به قرن هشتم و نهم میخی
و در آن نقوش کندکاری با اقتباس از هنر ساسانی بچشم
میخورد.

در آسیای مرکزی نیز هنر ساسانی مورد توجه قرار
گرفت و هرمندان در آثار گچبریهای اعقاب مقدسة
بودایی از این هنر استفاده کردند و هم چنین در مصر و
بیزانس نیز در بافت فرش و پارچه، از موئیفهای
گچبری فیض برده‌اند. در سایر قسمت‌های دیگر خارج
از ایران نیز آثار دیگری که دارای طرح و زنگ و بوی
ایرانی و ساسانی باشد بددست آمده است. از جمله در
بررسی آثار مکشوفه در ناحیه سعد، کاخی بددست آمده
است که متعلق به سده ۳ تا ۶ میلادی می‌باشد و بقایایی
از گچبری و نقاشی‌های دیواری، نفوذ هنر گچبری
ساسانی را در این منطقه نشان میدهد.

در توپراک قلعه^{۶۷} نیز کاخی بددست آمده است که
متعلق به سده سوم میلادی می‌باشد. در این کاخ، مواد
گچبری بسیار گرانهایی کشف شده است که نشانگر
تمدن و هنر خوارزم قدیم می‌باشد. ساختمان کاخ شامل
تالارهای متعددی است که زینت بخش آنها موئیفهای
گچبری الوان است. در تالارها نیز مجسمه‌هایی از
شاهان وجود داشته و در طاقچه‌ها، مجسمه خدایان جای
می‌گرفته‌اند که نمودار استمرار سنت‌های محلی است که
قدمت آن به آثار نیسای باستانی (یا نسا نزدیک گاشان)
در دوران پارتها میرسد.

در یکی دیگر از تالارهای این کاخ که بنام تالار
گوزن‌ها نامگذاری شده است، یک ردیف گوزن را که
اندکی کوچکتر از حد طبیعی می‌باشد، به زنگ بلوطی
بر روی زمینه آبی نقاشی کرده‌اند و در واقع این حیوان
همان نقش گوزنی است که بر روی ظروف نقره‌ای و
طلایی ساسانی حک شده و آخرین نوع بازمانده آن،
در حفريات اخیر در شهر شوش بددست آمده است.^{۶۸}

حال که نامی از توپراک قلعه بیان آمد، لازم است
به آثار هنری دیگری در محاوره النهر اشاره نماییم و به

علوم اسلامی

- تصویر شماره ۶۱: یک سرستون سنگی منسوب به سبک مغربی اسپانیا که
نشانگر طرحهای گچبری ساسانی می‌باشد.

گفتار خویش خاتمه دهم.

با توجه به اهمیت خاص سیاسی و اقتصادی و^{۷۰} بازارگانی سرزمین مأوراء النهر در دوران ساسانی، و گذشتن جاده ابریشم که ذکر آن گشت، در بسیاری از مناطق مأوراء النهر، شهرها و محلهای مسکونی عظیم و گسترده‌ای نیز بر پا گشت که نمونه‌های جالب توجه بالالیک تپه^{۷۱} منطقه ورخشا^{۷۲}، ویرانه‌های افراسیاب و منطقه باستانی پنج گشت را می‌توان نام برد.^{۷۳}

آثار دیگری بنام «قصر بخارا خدا» یا «کاخ حاکم بخارا» نیز در این شهر بدست آمده که حدود ۱۹ متر ارتفاع دارد و مجموعه وسیعی از بناهای مختلف بطور جدا از هم ساخته شده‌اند. در کاوش‌های این کاخ، آثار فرسک^{۷۴} یا دیوار نگاره و مقداری گچبری با طرحهای ساسانی، در یک پیشخوان و تالارهای سه‌گانه و نیز تالار سرخ‌فاهم تالار شرق و غرب بطرز زیبایی بکار گرفته شده است.

در بالالیک تپه و پنج گشت^{۷۵}، کمتر آثار تزئینی دیده شده و منحصرآثار معماري با المان عهد ساساني در آنجا کشف گردیده است.

امید است با تلاش‌های پیگیر در بررسی‌ها و حفريات آینده، آثار دیگری از اين هنر تزئینی بدست آيد، تا نسل‌های آتی را درجهت شناختن هنر گچبری يار و ياور باشد. انشاء...

فهرست منابع و مأخذ

الف: کتابها

- | | | |
|------------------------------|---------------------------------|--|
| ترجمه دکتر بهرام فرهوشی | تألیف رمان گریشن | ۱- کتاب هنر ایران، پارت و ساسانی |
| ترجمه بهروز جیبی | تألیف آندره گدار | ۲- کتاب هنر ایران |
| | تألیف لوی واندربگ | ۳- کتاب باستانشناسی ایران باستان |
| - | تألیف دکتر عباس زمانی | ۴- کتاب تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی |
| ترجمه دکتر محمد معین | تألیف رمان گریشن | ۵- کتاب هنر ایران از آغاز تا اسلام |
| ترجمه دکتر محمد معین | تألیف رمان گریشن | ۶- کتاب هنر ایران در دوران اسلامی |
| - | تألیف آرور ایهام پوب | ۷- کتاب هنر ایران |
| - | تألیف تولستو | ۸- کتاب آثار مهم تمدن ایران شرقی |
| - | تألیف دکتر احمد اقتداری | ۹- کتاب شهرهای باستانی سواحل و بنادر خلیج فارس |
| ترجمه دکتر فریار | تألیف دیماند | ۱۰- کتاب راهنمای صنایع ایران |
| - | تألیف دیلاوفا | ۱۱- کتاب هنرهای قدیمی ایران |
| - | شرکت ملی نفت ایران | ۱۲- کتاب سهم ایران در تمدن جهان |
| - | تألیف علیقی وزیری | ۱۳- کتاب تاریخ هنرهای صور جلد ۱ و ۲ |
| - | تألیف محمد تقی مصطفوی | ۱۴- کتاب نگاهی به معماری ایران |
| - | - | ۱۵- کتاب گزارش‌های باستانشناسی در مجمع سالانه مرکز باستانشناسی |
| ترجمه دکتر پرویز ناقل خانلری | تألیف آرور ایهام پوب | ۱۶- کتاب شاهکارهای هنر ایران |
| - | تألیف پویگیس ماترساین | ۱۷- کتاب عوامل ترتیبی در گچبریهای دوران ساسانی |
| | (معرفی چند کتاب جهت شناسایی گچ) | ۱۸- دانشکده علوم - رشته زیمن شناسی - کتابخانه دانشکده |
| - | تألیف دکتر بهنام | ۱۹- مجموعه خاورشناسی - کتاب تمدن ایرانی |
| ترجمه ده نویسنده ایرانی | تألیف ده نویسنده خوارجی | ۲۰- میراث ایران |
| - | تألیف دکتر ذکری محمد | ۲۱- تاریخ صنایع اسلام |
| - | تألیف سید تقی‌پس | ۲۲- تمدن ساسانی |
| - | تألیف پروفیسور عباس همراه | ۲۳- ساسانیان |
| | | ۲۴- کتاب گزارش‌های باستانشناسی جلد ۱ تا ۴ تهران - سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۸ |
| | ترجمه دکتر کاظم زاده | ۲۵- تحقیقاتی درباره ساسانیان |
| - | تألیف دکتر عتابت‌الله رضا | ۲۶- بحثی در سفال |

ب: مجلات

- ۱- مجله هنر و مردم شماره صد و یازدهم مقاله «تدابو در معماری ایران» نگارش دکتر تجویدی سال ۱۳۵۰
- ۲- مجله هنر و مردم شماره صد و پنجم مقاله «سخنی چند درباره آثار معماری ساسانی در موارد انتهی» نگارش آقای دکتر پرویز ورجاوند.
- ۳- مجله هنر و مردم شماره ۱۶۵ و ۱۶۶ مقاله «معماری ساسانی» نگارش علی سامي سال ۱۳۵۵
- ۴- مجله بررسیهای تاریخی مقاله «تأثیر هنر هخامنشی بر آثار هنری عصر ساسانی» نگارش دکتر ملک زاده

حوالی:

- | | | |
|-------------------|----------------|-------------|
| 1- Stucco | 2- Motif | 3- Kish |
| 4- plamira | 5- Stylize | 6- Realist |
| 7- Helle nistic | 8- Nassa, Nesa | 9- palemite |
| 10- chal-tar.khan | 11- Rozet | 12- Kongere |
| 13- chalipa | | |
| 14- lotoss | | |
- ۱۵- کتاب هنر معماری ایران، تألیف پروفیسور ایهام پوب، ترجمه غلامحسین صدری افشار - تهران ۱۳۴۶
 - ۱۶- گچبری روی محراب و برج‌های مقبره الجایتو در سلطان شاهزاد از این مریت برخودار است.

۱۷- کتاب «شاھکارهای هنر ایران» تألیف پروفسور آرتور ایهام پوپ، ترجمه دکتر خانلری، سال ۱۳۲۸، صفحه ۷۲
 ۱۸- مقاله «ترنیتات گچبری در قلمه بزد گرد» نوشته دکتر ادوارد کیل، ترجمه نگارنده.

19- Symbolic	20- Anahita	21- Tablet
22- Decorative	23- Berlin	24- Metropolitan
25- Démorgan	26 -27 Sasanian Stucco & Ornamental. A. O. Pupe	
		۲۸- کتاب شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان، نوشته احمد اقتداری، سال ۱۳۶۸، تهران صفحه ۸۲۵ و ۸۱۷
		۲۹- کتاب «هنر ایران» نوشته آرتور ایهام پوپ جلد ۱ به انگلیسی (شماره ۵ و ۶ زیرنویس)
30- Coranty	31- Acantos: Acant	۳۰- کتاب «باستان شناسی ایران باستان» تألیف دکتر بولی واندنبرگ، ترجمه مرحوم دکتر عیسی بهمن، ص ۵۵
33- pillars	34- Volot	۳۱- Untario
36- Edward Kail	37- Tiareh	۳۲- position
39- Byzantine		۴۰- کتاب «هنر ایران»، تألیف آندره گدار، ترجمه بهروز حبیبی، صفحه ۲۹۸
42- palace al Mshatta	43- samarra	۴۱- کتاب «تأثیر هنر ساسانی در هنرهای دوران اسلامی» تألیف مرحوم دکتر عباس زمانی، صفحه ۵
		۴۲- کتاب «تاریخ راهنمای صنایع ایران» تألیف دکتر ذیمأند، ترجمه دکتر عبدالله فربارص ۹۴
47- Gobaira	48- Oriental	۴۳- Stucco
50- Eleman		۴۴- همان کتاب صفحه ۹۶
		۴۵- کتاب (تأثیر هنر ساسانی در آثار هنرهای اسلامی) تألیف دکر زمانی، صفحه ۲۹ و ۲۸
		۴۶- همان کتاب (Islamic Art. David Talbot Rice. P. 13)
56- palace Al-Mshatta		۴۷- هنر اسلامی
58- sandeni	59- lourre	۴۸- هنر اسلامی
61- san jerman	62- orleann	۴۹- san Marco
64- Jerear	65- Shatto Nirie	۵۰- Agilberta
67- TaprakQal'eh		۵۱- Attila
		۵۲- کتاب «هنرهای قبیعی ایران»، تألیف مارسل چهلنافو، درباره ترنیتات کاخ عمان، صفحات ۱۱۶، ۱۰۲، ۹۷ به زبان فرانسه، اشاراتی درباره ترنیتات و رابطه گچبری این کاخ با کاخ فیروز آباد دارد.
69- Balalik tépe	70- Varakhes	۵۳- کتاب «معماری ایران»، تألیف آرتور ایهام پوپ، ترجمه غلامحسین صدری افشار ص ۵۸
72- Fresck	73- Pingicont Binjicont	۵۴- کتاب «تأثیر هنر ساسانی در آثار هنری اسلام» تألیف دکتر زمانی، صفحه ۴

۵۵- هنر اسلامی (Islamic Art. David Talbot Rice. P. 22)

58- sandeni	59- lourre	60- san Marco
61- san jerman	62- orleann	63- Agilberta
64- Jerear	65- Shatto Nirie	66- Attila
67- TaprakQal'eh		۶۷- کتاب «سهم تمدن ایران شرقی»، تألیف تولستوی، دانشند رویی که در این باره نگاشته شده است
69- Balalik tépe	70- Varakhes	۶۸- کتاب «آثار معماری ساسانی در موارد التهرا»، تألیف دکتر پژویز ورجاوند.
72- Fresck	73- Pingicont Binjicont	۶۹- کتاب «آثار معماری ساسانی در موارد التهرا»، تألیف دکتر پژویز ورجاوند.